



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

# نقشه راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

گزارش پشتیبان شماره ۳۱

طرح تدوین سند سیاست تجاری ایران

مجری: صادق ضیاء بیگدلی

مهرماه ۱۳۹۷

# نقشه راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

دکتر صادق ضیایی بیگدلی

(ضمیمه بخش سوم طرح سند سیاست تجاری)

## فهرست مطالب

۱. مقدمه	۳
۲. کشورهای در حال توسعه و نظام چند جانبه تجارت	۵
۲,۱ از گات تا سازمان تجارت جهانی	۵
۲,۲ فضای سیاست گذاری	۷
۳ آثار توسعه‌ای تعهدات خاص بر عهده گرفته شده در جریان الحاق	۱۰
۳,۱ الحاق، رویه‌ای غیر منصفانه و ناعادلانه	۱۰
۳,۲ ماهیت الحاق: تعهدات فراموافت‌نامه‌ای و فرو موافت‌نامه‌ای	۱۳
۳,۲,۱ تعهدات فراموافت‌نامه‌ای در زمینه‌ی قوانین با تأثیر مستقیم بر دسترسی به بازار	۱۵
۳,۲,۲ تعهدات دارای اثر محدود کننده بر تجارت و سیستم مالکیت فکری با تأثیر غیر مستقیم بر دسترسی به بازار	۱۶
۳,۲,۳ شفاف سازی، حاکمیت قانون، نهادسازی و ابهام زدایی از قوانین موجود	۱۸
۳,۳ آثار توسعه‌ای تعهدات ناشی از الحاق	۱۹
۴. درس‌هایی برای ایران	۲۲
۴,۱ تلاش‌های ایران برای الحاق در چشم‌انداز تاریخ	۲۲
۴,۲ الحاق ایران و اصلاحات نهادی	۲۷
۴,۳ تأثیر الحاق ایران بر دسترسی به بازار	۳۲
۵ نتیجه گیری و پیشنهادات	۳۴

## چکیده:

از زمان پذیرش ایران به عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی در سال ۱۳۸۴ اختلاف نظرات بسیاری در حوزه داخلی در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو پس از پیوستن به نظام جهانی تجارت پدید آمده است. در این میان موافقین و مخالفین هر دو به نحو اغراق آمیزی به بیان مزایا و معایب الحاق پرداخته‌اند. در حالی که آثار و تبعات منفی الحاق به عنوان بخش جدایی ناپذیر این فرآیند اغلب از جانب طرفدارانی که به درستی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی را مقدمه‌ی پیوستن به اقتصاد جهانی می‌دانند مغفول واقع گشته است، گروه مخالفین الحاق را تنها مسیری در جهت از بین بردن مشاغل در سطح صنایع غیر رقابتی موجود می‌دانند که با اختلال در جریان صنعتی سازی و ایجاد مانع فراروی تنوع بخشی به تولیدات، اقتصاد کشور را در انتهای زنجیره‌ی ارزش جهانی محصور می‌نماید. لازم به ذکر است ادعاهای اخیر در حالی صورت گرفته است که در جامعه‌ی جهانی موجود انتظار توسعه بر مبنای صادرات در اقتصاد جهانی متکی بر زنجیره ارزش جهانی بدون الحاق به سازمان تجارت جهانی و ترتیبات تجاری متعاقب آن تقریباً ناممکن گشته است.

در این بخش با بررسی برخی تعهدات اساسی در فرآیند الحاق، به ویژه در ارتباط با اعضای اخیر سازمان تجارت جهانی، بیان خواهیم داشت که در فرض اعمال ملاحظات لازم در مرحله‌ی مذاکرات پیش از الحاق می‌توان پیوستن ایران به این سازمان را عاملی در جهت بهبود وضع و اعمال سیاست‌های تجاری و اقتصادی در این کشور دانست. در عین حال با توجه به انزوای اقتصادی ایران برای مدت نسبتاً طولانی و ظهور بخش‌های صنعتی و خدماتی غیر رقابتی در این کشور، قدم گذاشتن در مسیر الحاق بدون داشتن درک صحیح و سیاست گذاری مناسب می‌تواند پرداخت هزینه‌های گزافی را در مراحل بعد در پی داشته باشد. فلذا توصیه می‌گردد به سیاست‌های مختلف اتخاذی در جریان الحاق به عنوان وسیله‌ی‌ای در جهت پیش برد اهداف توسعه‌ی کشور که از مدت‌ها پیش مطرح بوده ولیکن هم‌چنان تحقق نیافته است نگریسته شود. از نقطه نظر سیاسی اما برای فراهم آوردن شرایط مناسب جهت حداکثر بهره برداری از فرآیند الحاق و دستیابی به تنوع صادراتی نیاز به عزم جدی برای طی مراحل مختلف الحاق از جانب سطوح بالای حاکمیتی و نگرش به استراتژی الحاق، از منظر ژئوپولیتیک، به عنوان مسیری در جهت پیوستن به اقتصاد جهانی می‌باشد.

### ۱- مقدمه

ایران به عنوان بزرگ‌ترین و شاید مهم‌ترین کشور خارج از نظام تجارت جهانی در مرحله‌ی منحصر به فردی از حیات سازمان تجارت جهانی در پی الحاق به این سازمان می‌باشد. این سازمان در عرصه تجارت جهانی قرن بیست و یکم، که با پراکندگی بی سابقه تولیدات همراه شده، در تکاپو برای حفظ جایگاه خود می‌باشد و در حالی که به طور رسمی حدود ۹۸ درصد از تجارت جهان را تحت حکومت خود دارد، به مرور در حاشیه‌ی صدها موافقت‌نامه‌ی دو جانبه و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است که هر کدام دستورکاری متفاوتی داشته و زنجیره‌های ارزش جهانی گوناگونی را تحت پوشش قرار می‌دهند. در حقیقت تا سال ۱۳۹۴ حدود نیمی از تجارت جهانی به نوعی تحت حکومت و پوشش انواع موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی قرار داشته است.<sup>۱</sup>

این بدان معنا می‌باشد که ایران نه تنها باید خود را با جریان جهانی شدن اقتصادی، که قواعد آن عموماً در سال ۱۳۷۴ تنظیم گردیده همگام سازد، بلکه لازم است به طور همزمان استراتژی مستقلی نیز در خصوص موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی در پیش گیرد تا در

<sup>1</sup> UNCTAD 2016: iv

عین باز نماندن از موج توسعه‌ای پس از سازمان تجارت جهانی امکان بهره برداری حداکثری از منافع عضویت خود در این سازمان را فراهم سازد. با این حال با توجه به آن که سازمان تجارت جهانی سنگ بنای ترتیبات تجارت ترجیحی را تشکیل داده و نظام حل و فصل اختلاف آن موثرترین وسیله برای اطمینان از رعایت قواعد اولیه و مبنایی حاکم بر تجارت جهانی می‌باشد، اتخاذ سیاست‌های تجارت منطقه‌ای تنها می‌تواند مکمل عضویت در سازمان تجارت جهانی قرار گیرد و نه جایگزین آن. از سوی دیگر، روند نزولی قدرت سازمان تجارت جهانی و بدنه‌ی تصمیم‌گیری آن هشدار این را می‌دهد که کشوری مانند ایران باید تمام احتیاط خود را به کار گیرد تا برای عضویت در سازمانی که اصل ملت‌های کامله الوداد در آن بیش‌تر به یک استثنا تبدیل شده تا قاعده، هزینه‌ی نامتعارفی نپردازد.

بر این اساس این بخش عمدتاً به فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی الحاق ایران از منظر توسعه‌ای می‌پردازد. تحلیل این مباحث در سایه‌ی اختلاف نظرهای گسترده و طولانی صورت خواهد گرفت که حول مسئله‌ی تأثیر الحاق از حیث ایجاد محدودیت بر فضای سیاسی کشورهای در حال توسعه برای پیش برد اهداف توسعه‌ای آن‌ها وجود داشته است. در این راستا بیان شده است که به مجموعه‌ی پیچیده‌ی مذاکرات ایران برای الحاق باید به عنوان فرصتی برای پیش برد سیاست‌های اصلاحات اقتصادی نگریست که بیش از دو دهه تلاش جهت تحقق آن‌ها بی حاصل مانده است و نه تحمیلی اجتناب‌ناپذیر جهت پذیرفته شدن در جامعه جهانی تجارت.

پیچیدگی دیگری که می‌توان آن را منحصر به ایران دانست این می‌باشد که پرونده الحاق ایران بیش از هر پرونده‌ی دیگری با مسائل سیاسی در هم آمیخته است. آینده‌ی ایران از حیث پیوستن به اقتصاد جهانی، پس از تلاش‌های پراکنده این کشور برای خروج از سال‌ها تحریم بی سابقه اقتصادی همچنان مشخص نبوده و فضای از اختلافات سیاسی و ژئوپولیتیک همچنان این کشور را در بر گرفته است. به طور خاص در بحث الحاق به سازمان تجارت جهانی، بسیاری از رقبای ژئوپولیتیک ایران برای هدف تحصیل امتیازات سیاسی و اقتصادی از حق وتوی خود در سازمان تجارت جهانی در مقابل عضویت ایران به عنوان یک اهرم استفاده می‌نمایند، در مقابل عمدتاً در نظر سایر اعضای این سازمان، ایران تنها بازاری بکر در اقتصاد راکد جهانی می‌باشد؛ بازاری با مشتریان بسیاری از طبقه‌ی متوسط و ذخایر عظیم. هر یک از ابعاد سیاسی، ژئوپولیتیک، و یا اقتصادی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی به تنهایی برای هر چه پیچیده‌تر کردن جریان مذاکرات پیش از الحاق کافی می‌باشد، تا جایی که چنین سطحی از پیچیدگی را، اگر بی‌سابقه نباشد، شاید تنها بتوان در جریان الحاق کشورهای چین و روسیه یافت.

در این بخش ابتدا به نحو مختصر به بررسی نقش کشورهای در حال توسعه در موافقت‌نامه گات و نیز سازمان تجارت جهانی خواهیم پرداخت تا مقدمه‌ای باشد بر تحلیل این سوال که آیا نظام جهانی تجارت مانعی در برابر تعقیب اهداف توسعه‌ای این کشورها بوده و یا بر عکس، آن را تسهیل می‌نماید. در بخش سوم جریان و ماهیت الحاق به طور دقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ضمن تأکید بر آن چه می‌توان از آن به عنوان **تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای و تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای** یاد کرد، به معنای لزوم پذیرش تعهداتی از جانب کشورهای متقاضی عضویت که بسیار فراتر از الزامات دستورالعمل‌های سازمان بوده، و آزادسازی در بخش کالا و خدمات در سطحی که بسیار فراتر از میزان فراهم شده توسط اعضای اصلی (موسس) می‌باشد. این جنبه از الحاق، علی‌رغم اهمیت فراوان آن، اغلب در منابع مرتبط با تجارت و توسعه بین‌المللی مورد بررسی و موشکافی کافی قرار نگرفته است. وجود چنین تعهدات گزافی است که با ایجاد نگرانی از حیث تبعات منفی عضویت بر فضای سیاست‌گذاری، عضویت کشورهای در حال توسعه و با کم‌ترین سطح از توسعه یافتگی را در سازمان تجارت جهانی دشوار ساخته است. در این بخش ضمن اتخاذ نگاهی منتقدانه نسبت به تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای برای اعضای جدید، بیان خواهیم داشت که برخی از این تعهدات اضافی به ویژه در زمینه قوانین و مقررات در صورتی که با آگاهی و برنامه‌ریزی مناسب تقبل گردد می‌تواند ابزاری مناسب جهت اعمال اصلاحات لازم در زمینه‌ی سیاست‌گذاری باشد. هرچند،

حصول چنین نتیجه‌ای مستلزم سطح بالایی از دانش و تجربه می‌باشد که عمده‌تاً کشورهای در حال توسعه فاقد آن هستند. بخش چهارم در برگرنده‌ی مباحث مرتبط با الحاق ایران می‌باشد که نهایتاً با ذکر موارد احتیاط و ارائه‌ی برخی توصیه‌ها خاتمه خواهد یافت.

## ۲. کشورهای در حال توسعه و نظام چند جانبه تجارت

### ۲.۱ از گات تا سازمان تجارت جهانی

موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ (موافقت‌نامه گات) در دوران حیات خود طی حدود ۵ دهه به عنوان اجتماعی از کشورهای ثروتمند تلقی می‌گردید. ۸ سال مذاکرات دور اورگوئه تمامی اهداف بلندپروازانه‌ی خود را با تأسیس سازمان تجارت جهانی محقق ساخت<sup>۱</sup>، عمدتاً بدان علت که این سازمان تا حد بسیاری تحت سلطه‌ی کشورهای شمال، و به طور خاص کشورهای موسوم به کواد، گروهی متشکل از اصلی‌ترین کشورهای تجاری آن زمان از جمله ایالات متحده آمریکا، جوامع اروپایی، ژاپن و کانادا، قرار داشت.<sup>۲</sup>

در منابع متعددی از حضور کم رنگ کشورهای در حال توسعه در دوران موافقت‌نامه گات یاد شده است، و مهم‌ترین فرضیه‌ای که در این خصوص مطرح گردیده از جانب هودک (۱۹۸۷) می‌باشد که مشکل عدم مشارکت کشورهای جنوب در گات را تا حد بسیاری با رویکرد منفعلانه و تدافعی آن‌ها مرتبط می‌داند. منظور عدم تمایل کشورهای در حال توسعه به مشارکت در تبادل تعهدات در دوران گات و نیز رویکرد معافیت طلبانه آن‌ها می‌باشد که در قالب اعطای رفتار ویژه و متفاوت (S&DT) به این کشورها نمود یافته. به ویژه کشورهای با کم‌ترین سطح از توسعه یافتگی، از جمله اغلب کشورهای آفریقایی، تحت شمول معافیت‌های کامل در زمینه تعهدات مربوط به قوانین قرار گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

دلیلی دیگری که به نظر در خصوص آن اجماع وجود دارد در ارتباط با نبود تخصص یا نمایندگی سیاسی از جانب کشورهای در حال توسعه برای مشارکت کامل در نظام گات و تلاش برای دست کم جبران برخی تبعیض‌های موجود در آن می‌باشد.<sup>۴</sup> این نظر می‌تواند علت دوام مشارکت کم‌رنگ از جانب بسیاری کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی را توضیح دهد.<sup>۵</sup> با این وجود همچنان می‌توان دلایل مهم‌تری را نیز برای غیبت کشورهای در حال توسعه در نظام گات بیان داشت. در این خصوص برخی اندیشمندان به قدرت‌های استعماری گذشته که موافقت‌نامه‌ی گات را در عمل نسبت به برخی کشورهای در حال توسعه اعمال می‌داشتند اشاره می‌نمایند.<sup>۶</sup> برخی دیگر اما بیان می‌دارند "قاعده‌ی عرضه‌کننده‌ی اصلی" امکان حضور کشورهای در حال توسعه را که در زمره چنین عرضه‌کنندگانی نبودند در مذاکرات تعرفه‌ای کالا به کالا در دوران گات از میان می‌برد.<sup>۷</sup>

<sup>1</sup> Mavroidis 2015: 239

<sup>2</sup> Generally see Irwin, Mavroidis and Sykes 2008

<sup>3</sup> See Low 2007

<sup>4</sup> See Bhagwati 2005

<sup>5</sup> See generally Bown 2009

<sup>6</sup> Apeku Laker 2014:8

<sup>7</sup> Ibid.

همچنین عوامل دیگری را نیز می‌توان به طور خاص در ارتباط با حضور کم رنگ کشورهای صادرکننده نفت در گات بیان نمود. این کشورها تحت تأثیر نگرانی‌ها از آثار و تبعات مقررات گات بر حاکمیت‌شان بر منابع طبیعی خود به عضویت گات در نیامده و یا با تأخیر بسیار به این موافقت‌نامه پیوستند. به عنوان مثال ایران پس از مشارکت در مذاکرات منشور هاوانا تصمیمی استراتژیک جهت محدود نمودن مشارکت خود به سطح عضویت ناظر اتخاذ نمود. وضعیت مشابهی را می‌توان در رفتار کشورهایمانند عربستان و سایر کشورهای عضو اوپک مشاهده نمود، چنانچه ونزولا در سال ۱۹۹۰ به عضویت گات درآمد.

علاوه بر موارد مذکور بیان شده است "دستورکار کلاسیک" گات عمدتاً مسائلی را که برای کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت ویژه بود در بر نمی‌گرفت. از جمله این مسائل می‌توان به کشاورزی، و بخش‌های نساجی و پوشاک اشاره داشت.<sup>۱</sup> با انضمام موافقت‌نامه‌ی کشاورزی و موافقت‌نامه‌ی نساجی و پوشاک به مجموعه موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی برخی تبعیض‌های سیستمی موجود در گات در جریان مذاکرات دور اوروگوئه برطرف گردید، هرچند می‌توان گفت حل مشکل بیش‌تر از حیث دامنه موضوعات تحت شمول بوده و نه محتوای موضوعات. با این حال مبنا و اساس این مشکلات تا به امروز نیز باقی بوده و در نهایت به بن بست مذاکرات دوحه در نتیجه اختلافات در دستور کار کشورهای شمال و جنوب انجامیده است.

همچنین لازم به ذکر است در دهه ۱۹۷۰ میلادی و ظهور اعتقادات مبنی بر نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، کنفرانس سازمان ملل راجع به توسعه و تجارت (آنکتاد) نهادی متعلق به کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شد، که در آن منافع کشورهای در حال توسعه تعقیب و پیگیری می‌شد. فلذا بدین جهت بود که کشورهای در حال توسعه در آنکتاد حضور بسیار فعالانه‌تری را در مقایسه با گات داشتند.<sup>۲</sup> با ظهور سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ و اهمیت به سزای آن در نظام تجارت جهانی جایگاه آنکتاد نیز رو به افول نهاد. در اواسط دهه ۱۹۸۰ اما برخی کشورهای در حال توسعه به تدریج رویکرد فعالانه‌تری را در گات اتخاذ کرده و همزمان اصلاحاتی را در جهت آزادسازی تجاری در سطح داخلی صورت دادند.<sup>۳</sup>

با این حال در طول عمر سازمان تجارت جهانی در بیش از دو دهه اکثریت کشورهای در حال توسعه، از جمله تقریباً تمام کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی همچنان رویکرد منفعلانه و معافیت طلبانه خود را حفظ نموده‌اند.<sup>۴</sup> برخی صاحب نظران بیان داشته‌اند که چنین عدم تمایلی برای تبعیت از مقررات جهانی تجارت می‌تواند رفتاری منطقی از جانب کشورهای در حال توسعه تلقی گردد، بدین ترتیب که حداقل کشورهایی که اقتصاد کوچک‌تری دارند ترجیح می‌دهند منابع محدود خود را به حوزه‌ی داخلی تخصیص دهند (به عنوان مثال در بخش زیرساخت‌ها و توسعه انسانی) تا حوزه خارجی و مسایلی مانند تجارت خارجی.<sup>۵</sup> در عین حال در ارتباط با برخی کشورهای در حال توسعه به ویژه اقتصادهای در حال ظهور، وضعیت به طور کلی تغییر نموده است تا جایی که این کشورها در جریان مذاکرات سازمان تجارت جهانی و نیز فرایند حل و فصل اختلافات فعالیتی در سطح بزرگ‌ترین اقتصادهای شمال داشته‌اند.

---

<sup>1</sup> Ibid.

<sup>2</sup> Ibid.

<sup>3</sup> Ibid.: 7

<sup>4</sup> Ibid.

<sup>5</sup> See Dunoff 2007

مهم‌ترین مسئله برای کشورهای جدیدالاحاق و یا در حال الحاق به سازمان تجارت جهانی این می‌باشد که با الگو گرفتن از اعضای فعال سازمان از گروه کشورهای جنوب در صدد حداکثر بهره برداری از فرصت‌های نظام سازمان تجارت جهانی برای تحقق اهداف توسعه‌ای خود برآیند. این مسئله به ویژه برای کشوری مانند ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورها، و یا شاید بتوان گفت مهم‌ترین کشور خارج از سازمان تجارت جهانی حائز اهمیت می‌باشد.

## ۲،۲ فضای سیاست گذاری

فرضیه هودک در خصوص حضور کم‌رنگ کشورهای در حال توسعه در گات قابل تأمل به نظر می‌رسد، چرا که می‌توان بیان داشت قائل شدن معافیت کامل برای این کشورها موجب کاهش مشارکت از جانب آنان می‌گردد، اما صحت چنین فرضی در ارتباط با سازمان تجارت جهانی که در آن کشورهای در حال توسعه نیز به مانند کشورهای توسعه یافته ملزم به رعایت قواعد مشابهی می‌باشند مورد تردید است. در این سازمان به غیر از برخی معافیت‌ها که عمدتاً مرتبط با مسائل آیین دادرسی و افزایش مهلت‌ها برای رعایت قواعد از جانب کشورهای کم‌تر توسعه یافته می‌باشد تفاوتی از حیث تعهدات بر عهده گرفته شده میان این کشورها و اعضای توسعه یافته وجود ندارد. از سوی دیگر هرگونه اقدامی در جهت حذف مهلت‌های اضافی با هدف افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه نیز می‌تواند در نهایت منجر به محدودسازی فضای سیاست گذاری کشورهای در حال توسعه و نتیجتاً ایجاد مانع در برابر تحقق اهداف توسعه ای آنان گردد.

در بیان مفهوم فضای سیاست گذاری به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که این اصطلاح به محدودیت‌هایی می‌پردازد که قواعد وضع شده برای تجارت جهانی بر آزادی اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای کشورها اعمال می‌نماید. در حالی که سازمان تجارت جهانی در ذات خود سازمانی برای ارتقای سطح توسعه یافتگی کشورها نمی‌باشد، آزادسازی تجارت که به عنوان یکی از اهداف سازمان در دستور کار آن قرار گرفته به طور طبیعی می‌تواند به توسعه اقتصادی منجر گردد.<sup>۱</sup> بنابر نظر غالب آزادی کشورهای در حال توسعه در اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای باید به سیاست گذاری‌های افقی محدود شود، مانند فراهم آوردن ثبات اقتصادی، استقرار حکومت قانون، و تأمین زیرساخت‌های توسعه که همگی در راستای اهداف و در هماهنگی با مقررات سازمان تجارت جهانی قرار دارند. بنابر این نظر، رفتارهای ویژه و متفاوت به عنوان کمکی به کشورهای کم‌تر توسعه یافته تلقی می‌گردند جهت توسعه تجارت آن‌ها و نیز ایجاد زمینه مناسب برای اجرای مقررات سازمان.<sup>۲</sup>

از جانب دیگر برخی معتقدند مقررات سازمان تجارت جهانی آزادی کشورهای در حال توسعه را در اتخاذ سیاست‌های فعالانه مقید می‌نماید. گذشته از فرصت نابرابر دسترسی به بازار برای کشورهای در حال توسعه (هم در بخش کالا از حیث کاهش تعرفه‌ها و تعیین سقف‌های تعرفه‌ای، و هم در بخش خدمات)، زمینه‌های اصلی محدودیت که در این خصوص ذکر شده شامل ممنوعیت یارانه‌های صادراتی و برخی یارانه‌های داخلی می‌باشد. در این رابطه می‌توان به موافقت‌نامه راجع به اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت که اجبار در استفاده از محتوای محلی را منع نموده، و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری اشاره کرد.<sup>۳</sup> به علاوه لازم است به حوزه خدمات مالی نیز توجه ویژه‌ای مبذول گردد، چرا که آزادسازی جریان سرمایه در نبود مقررات مناسب برای آن می‌تواند آثار مخربی در پی داشته باشد.

<sup>1</sup> See Finger 2002; Hoekman 2002

<sup>2</sup> See Hoekman 2005: 22

<sup>3</sup> See Khor 2008: 237-240

نظریات انتقادی مفصلی در این خصوص بیان شده که می‌توان آن را در راستای هدف جمعی کشورهای در حال توسعه یافت که به ارتقای سطح توسعه در سازمان تجارت جهانی کمک نموده و در مجموع ادبیات متفاوتی از سیاست تجاری در سطح جهانی ارائه می‌دهد. نکات اصلی که باید در خصوص این انتقادات مورد توجه قرار داد را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

اولاً، وجود نگاه منتقدانه نباید توجیهی باشد در اتخاذ رویکرد منفعلانه از جانب کشورهای در حال توسعه. بلکه در مقابل حکومت قانون که ماحصل نظام سازمان تجارت جهانی است را باید نفعی عمومی تلقی نمود، و همان گونه که استیگلیز بیان داشته است علی‌رغم غیر منصفانه بودن برخی مقررات سازمان تجارت جهانی، لازم است کشورهای در حال توسعه در جهت حداکثر بهره‌برداری از فرصت‌های این سازمان برای پیش برد اهداف خود تلاش نمایند.<sup>۱</sup> بسیاری آرای متعدد صادر شده به نفع کشورهای در حال توسعه در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را می‌توان دلیلی بر صحت این مدعا دانست.

دوماً، تعهداتی که کشورهای در حال توسعه اصلی (موسس) در ارتباط با دسترسی به بازار بر عهده گرفته‌اند، چه در بخش کالا و چه در بخش خدمات، بسیار سبک‌تر از تعهدات مشابهی است که بر دوش اعضای جدید سازمان قرار می‌گیرد. به عبارتی در سال ۱۹۹۵ سقف تعرفه در بسیاری خطوط تعرفه‌ای برای اغلب کشورهای در حال توسعه همچنان تثبیت نشده، و یا در مواردی که تثبیت شده بود در سطح بسیار بالاتری از تعرفه‌ی اعمال شده توسط این کشورها قرار داشت. تعهدات در بخش خدمات نیز به همین ترتیب منعطف و سبک بود. با بی‌حاصل ماندن مذاکرات دور دوحه امروز نیز مشکل به همین صورت ادامه دارد، البته وضعیت در مورد موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی میان کشورهای شمال و جنوب بسیار متفاوت است، و تعهدات اضافی برای کشورهای در حال توسعه در این موافقت‌نامه‌ها می‌تواند به مشکلی اساسی تبدیل گردد. همچنین همان گونه که در مبحث بعدی در این بخش بیان خواهد شد، سطح امتیازات اعطا شده توسط کشورهای جدیداللاحاق بسیار بالاتر از این سطح در مورد سایر کشورهای در حال توسعه می‌باشد که از جمله اعضای اصلی سازمان هستند، و نتیجتاً سطح احتیاط بالاتری را می‌طلبند.

سوماً، در انتقادات صورت گرفته عموماً نسبت به میزان محدودیت تحمیل شده در نتیجه مقررات سازمان تجارت جهانی مبالغه صورت می‌گیرد. این امر به ویژه در در مورد مقررات مرتبط با سیاست‌های صنعتی صادق است، مانند بحث یارانه‌ها و سایر مکانیزم‌های تشویقی، سیاست‌های محلی گرای، و حقوق مالکیت فکری. به عنوان مثال در بحث یارانه‌ها با وجود آن که مقررات سازمان تجارت جهانی صریحاً پرداخت یارانه‌های صادراتی (یارانه‌های وابسته به صادرات) را منع می‌نماید، در خصوص یارانه‌های داخلی مقررات مندرج در موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی دارای اثرگذاری محدودی می‌باشد و نتیجتاً به چالش کشیدن پرداخت یارانه‌های داخلی را در فرایندی رسیدگی رکن حل اختلاف سازمان بسیار هزینه‌بر می‌سازد. فلذا همان گونه که آمدن و هیکنو نیز به درستی بیان داشته‌اند، به جز ممنوعیت پرداخت یارانه‌های صادراتی در مقررات سازمان تجارت جهانی محدودیتی برای کشورها در تقویت صنایع نوپای خود و یا محدودیتی از باب استانداردهای اجرایی وجود ندارد.<sup>۲</sup>

به همین ترتیب در حالی که موافقت‌نامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت الزامات محتوی محلی را ممنوع می‌سازد، سازمان تجارت جهانی تنظیم قواعد مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (به ویژه در بخش کالاها) را عمدتاً به دولت‌ها واگذار نموده است. موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) نیز انعطاف‌های مشابهی را فراهم می‌سازد به نحوی که کشوری مانند هندوستان توانسته است در عین رعایت کامل ضوابط این موافقت‌نامه تعادلی منطقی میان سیاست‌های حمایت از

<sup>1</sup> Stiglitz 2008: 312

<sup>2</sup> Amsden and Hikino 2000: 104-110



مالکیت فکری و سیاست‌های ارتقای فناوری خود برقرار سازد. همان طور که در ادامه نیز بیان خواهد شد لازم به ذکر است پذیرش هرگونه تعهد فراموافت‌نامه‌ای در مورد موافقت‌نامه تریپس نیز مستلزم بذل توجه و احتیاط ویژه می‌باشد.

به همین جهت است که سانتوس به مخالفت با این باور رایج پرداخته که تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی استقلال کشورها را در وضع قوانین با محدودیت بیش از حد مواجه می‌سازد. سانتوس با اشاره به "طرفیت حقوقی توسعه‌ای" به مقایسه میان مورد مکزیک و برزیل پرداخته و بیان می‌دارد در حالی که مکزیک صرفاً از ظرفیت سازمان تجارت جهانی برای فراهم آوردن بازار برای صادر کنندگان خود و حفظ بازار داخلی‌اش از تجارت ناعادلانه بهره می‌برد، برزیل با تلفیق این استراتژی با اقدامات داخلی برای تقویت بخش‌های اقتصادی که مناسب تشخیص می‌دهد یک گام فراتر می‌رود.<sup>۱</sup> برزیل در مواجهه با طرح دعوی علیه اقداماتی که بدین ترتیب صورت می‌دهد با بهره بردن از وکالت استراتژیک به گسترش فضای سیاست گذاری خود می‌پردازد.<sup>۲</sup> آن چه موجب موفقیت چنین استراتژی‌هایی می‌گردد این است که بر اساس مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، علی‌رغم تأثیرگذاری قابل توجه آن، پرداخت خسارت فاقد اثر قهقرایی بوده و نتیجتاً به اعضا این امکان را می‌دهد تا زمان صدور رأی به اقدامات خود برخلاف مقررات سازمان ادامه دهند.

بنابراین باید بیان داشت هرچند ممکن است اصطلاح فضای سیاست گذاری به نوعی در تقابل با مطالبات بی اندازه کشورهای شمال به کار رود، اما نباید فراموش کرد آن چه باید بدان توجه داشت صرف مسئله‌ی لازم بودن یا نبودن فضای سیاسی نیست بلکه لازم است توجه صورت گیرد که در هر مورد حداکثر فضایی که می‌توان برای قانون گذاری در کشور فراهم آورد چه میزان بوده و مرزهایی که با وجود آن کشورهای در حال توسعه می‌توانند به تعقیب اهداف توسعه‌ای خود بپردازند به چه نحوی باید تعیین گردد.

از این حیث دیگر صرف کارایی رفتارهای ویژه و متفاوت در مرکز توجه قرار نمی‌گیرد بلکه آن چه اهمیت مضاعف می‌یابد نحوه‌ی استفاده مناسب و موثر از چنین رفتارهایی است.<sup>۳</sup> به عبارتی سوال اصلی این است که کدام تعهدات باید و کدام یک نباید بر کشورهای در حال توسعه تحمیل و یا توسط آن‌ها مورد پذیرش واقع شود، و همچنین این مسئله که در چه مواقعی لازم است از شدت تعهدات دسته اول کاسته شود.<sup>۴</sup> بر همین اساس کاتیر اظهار داشته است که سیاست رفتارهای ویژه و متفاوت باید با رویکردی جایگزین گردد که بر اساس آن مقررات سازمان تجارت جهانی، به عنوان مثال در بحث ممنوعیت‌های صادراتی پس از رسیدن سطح صادرات کالای دریافت کننده یارانه به نصابی معین از مجموع صادرات کشور نسبت به آن کشور اعمال گردد.<sup>۵</sup> این مسائل در کنار مسائل دیگری از این دست که در دستور کار مذاکرات دوحه قرار داشت، همچنان بی پاسخ مانده و چشم انداز روشنی نیز برای حل آن در مذاکرات بین‌المللی وجود ندارد. فلذا کشورهای در حال توسعه باید خود در پی راه حلی برآمده و با تعیین اولویت‌های توسعه‌ای خود برای دستیابی به حداکثر فضای سیاست گذاری در جریان مذاکرات تجاری منطقه‌ای و دو جانبه تلاش نمایند. موافقت‌نامه‌های تجاری در صورتی که محدودیت‌های بیش از اندازه‌ای را بر آزادی کشورهای در حال توسعه در اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای و صنعتی وارد

---

<sup>1</sup> Santos 2012: 631

<sup>2</sup> Ibid.

<sup>3</sup> See Kessie and Apea 2006

<sup>4</sup> Trachtman 2009: 113

<sup>5</sup> See Cottier 2006

نمایند می‌توانند به عاملی نگران‌کننده تبدیل شوند، هرچند ممکن است در نتیجه‌ی این موافقت‌نامه‌ها کشورهای در حال توسعه موقتاً به بازارهای خارجی برای صدور محصولات خود (با ارزش افزوده اندک) دست یابند.

با وجود این توضیحات اما موافقت‌نامه‌های تجاری می‌توانند فواید متعددی را نیز در بر داشته باشند که شایسته‌ی توجه می‌باشد. از جمله این که این موافقت‌نامه‌ها عموماً با محدود ساختن اختیار دولت در تغییر اصلاحات صورت گرفته می‌توانند به افزایش ثبات و شفافیت و کاهش رانت خواهی منجر گردند. اگر تعهداتی که به واسطه موافقت‌نامه‌های تجاری و یا در جریان الحاق به سازمان تجارت جهانی بر عهده گرفته شده و به صورت قانون درآمد را در راستای سیاست‌های اصلاحی بدانیم، و تا جایی که همچنان با وجود این تعهدات دولت متعهد از آزادی عمل برخوردار باشد، این تعهدات را می‌توان عاملی در جهت تحقق اهداف توسعه‌ای و توسعه پایدار کشورها دانست. این مسئله به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه موضوعیت می‌یابد که دارا بودن ساختار نهادی نامناسب امکان اعمال اصلاحات مورد نیاز را از آن‌ها سلب نموده است.

### ۳ آثار توسعه‌ای تعهدات خاص بر عهده گرفته شده در جریان الحاق

#### ۳,۱ الحاق، رویه‌ای غیر منصفانه و ناعادلانه

تا کنون ۳۶ کشور به جمع ۱۲۸ عضو اصلی حاضر در مذاکرات دور اورگوئه پیوسته‌اند که در مجموع اعضای سازمان تجارت جهانی را به ۱۶۴ کشور می‌رساند. علاوه بر این ۲۱ کشور نیز در حال طی کردن مراحل الحاق می‌باشند و تنها تعداد معدودی از کشورها مانند کره شمالی به طور کلی خارج از این نظام قرار دارند.

عمده دلایلی که می‌توان برای عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی برشمرده شامل انگیزه‌ی برخوردار شدن دائم و بی‌قید و شرط از رفتار ملت‌های کامله الوداده، مصونیت در مقابل اقدامات تجاری تبعیض آمیز در بازارهای مقصد صادرات، مشارکت در فرآیند وضع مقررات جهانی و نیز دسترسی به مرجعی بی‌طرف با صلاحیت اجباری برای حل و فصل اختلافات می‌باشد.<sup>۱</sup> دلایل دیگری نیز ممکن است بر تصمیم کشورها در مورد الحاق تأثیر گذار باشد که بیش‌تر در ارتباط با فراهم آوردن فرصت اصلاحات ساختاری بوده و شامل تثبیت اصلاحات داخلی و حقوقی تحت لوای موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی،<sup>۲</sup> دستیابی به رشد تجاری در عین حفظ ثبات تجاری، افزایش قابلیت پیش بینی و بهبود وضعیت دسترسی به بازار برای صادر کنندگان می‌باشد.<sup>۳</sup> قابلیت تحقق این اهداف و موفقیت کشورها در محقق ساختن آن‌ها موضوعی است که در بخش بعدی بدان پرداخته خواهد شد.

در حالی که فرایند الحاق از لحاظ شکلی شامل مجموعه‌ای پیچیده، طولانی و چند لایه از مذاکرات می‌باشد، ماهیت آن به معنای تعهداتی که برای کشور متقاضی عضویت به بار می‌آورد چندان مشخص نبوده و نتیجتاً هرگونه تخمینی در رابطه با هزینه‌های ناشی از الحاق را در ابتدا دشوار می‌سازد.<sup>۴</sup> این بدان علت است که ماهیت الحاق وابسته به مذاکرات یک طرفه‌ای می‌باشد که محتوای مجموعه‌ی تعهدات ناشی از الحاق را مشخص می‌سازد. اوساکوی که برای سالیان متمادی مدیر بخش الحاق سازمان تجارت جهانی بوده و بر فرآیند الحاق کشورهای متعددی نظارت داشته معتقد است که فرایند الحاق در طبیعت خود پیچیده می‌باشد چرا که در

<sup>1</sup> See Cattaneo and Primo Braga 2009

<sup>2</sup> Davis and Wilf 2011

<sup>3</sup> Neumayer 2013

<sup>4</sup> Evenett and Primo Braga 2006

ارتباط نزدیکی با اصلاحات داخلی کشورها قرار داشته، فلذا نباید با دیدی منفی به آن نگریست.<sup>۱</sup> لیسوی در مقابل به رفتار فرصت طلبانه اعضای فعلی اشاره می‌دارد که فرصت را برای اعمال قدرت علیه کشور متقاضی عضویت با هدف کسب منفعت غنیمت می‌شمارند.<sup>۲</sup> در همین راستا نومایر نیز تکنیک‌های خرید زمان را که اعضای کارگروه به آن متوسل می‌گردند ابزاری جهت تحصیل هر چه بیش‌تر امتیازات می‌داند.<sup>۳</sup>

در بحث قانون حاکم بر جریان الحاق، مواد ۱۲ و ۱۳ موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی تنها مقررات مرتبط در میان مجموعه قواعد سازمان تجارت جهانی می‌باشند. ماده ۱۲ به وضعیتی می‌پردازد که به دلایل سیاسی و دیپلماتیک دو کشور عضو سازمان تمایلی به اعمال مقررات سازمان در رابطه میان خود ندارند. با این حال ماده اخیر به عنوان تنها مقررده حاکم بر فرایند اصلی الحاق هیچ راهکار دقیقی را در خصوص تشریفات لازم برای عضویت کامل در سازمان به دست نمی‌دهد.

بر اساس این ماده:

۱- هر دولت یا قلمروی گمرکی مجزایی که در اداره روابط تجاری خارجی و سایر امور پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه حاضر و موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه خود مختاری کامل داشته باشد، می‌تواند طبق شرایطی که میان آن و سازمان تجارت جهانی مورد توافق قرار می‌گیرد، به موافقت‌نامه حاضر ملحق شود. چنین الحاقی ناظر بر موافقت‌نامه حاضر و موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه منضم به آن خواهد بود.

۲- تصمیمات مربوط به الحاق توسط کنفرانس وزیران اتخاذ خواهد شد. کنفرانس وزیران توافق راجع به شرایط الحاق را با اکثریت دو سوم اعضای سازمان تجارت جهانی تصویب خواهد کرد.

۳- الحاق به موافقت‌نامه‌های تجاری میان چند طرف [بدون الزام عضویت همه اعضای گات] مشمول مقررات آن موافقت‌نامه خواهد بود.

به جهت عدم پیش‌بینی تشریفات الحاق در ماده ۱۲، به مرور زمان دبیرخانه (به ویژه بخش الحاق سازمان تجارت جهانی) خلاء قانونی موجود را با تبیین فرایندهای پیچیده و چندلایه‌ای برای الحاق پر نموده است.<sup>۴</sup> موارد ذیل دربرگیرنده‌ی مراحل می‌باشد که عموماً در فرایندهای الحاق تا حال رعایت شده.

- تقدیم درخواست الحاق؛
- تشکیل کارگروه الحاق (متشکل از تمام اعضای سازمان که تمایل به حضور داشته باشند) توسط شورای عمومی سازمان که پس از آن کشور متقاضی عضویت جایگاه ناظر را کسب کرده و فرآیند الحاق به طور رسمی آغاز می‌گردد؛
- تقدیم اسنادی موسوم به ورودی مذاکرات که متشکل از گزارش رژیم تجارت خارجی (MFTR) و همچنین پیشنهادات در مورد دسترسی به بازار در هر دو بخش کالا و خدمات می‌باشد؛

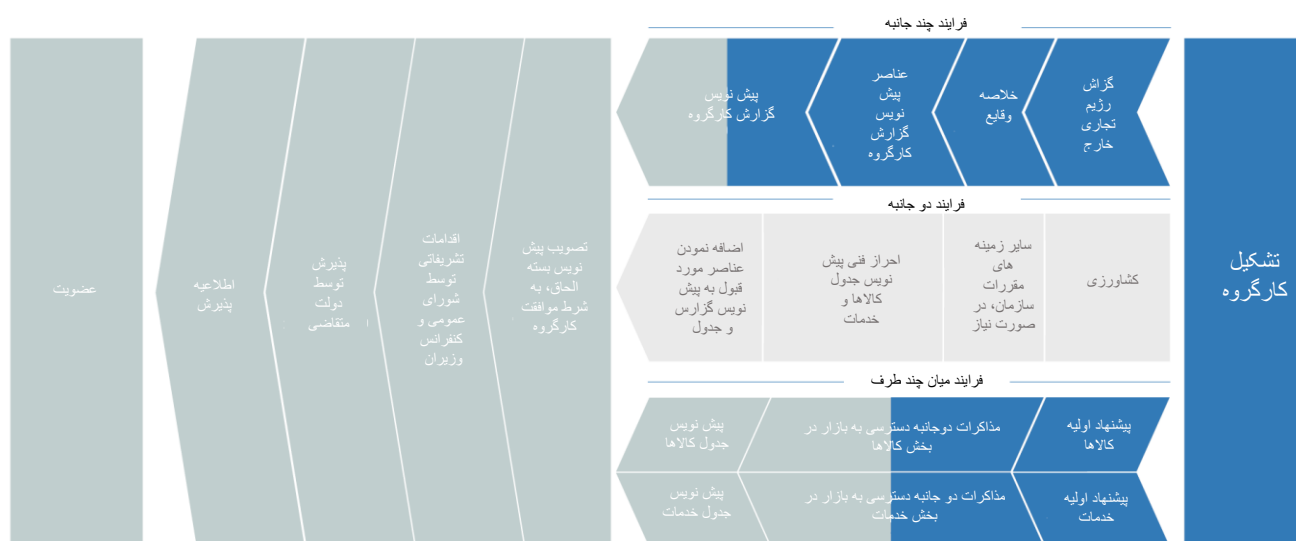
<sup>1</sup> Osakwe (2011)

<sup>2</sup> Lacey (2007)

<sup>3</sup> Neumayer (2013)

<sup>4</sup> WTO 1995

- نوعی فرایند حقیقت یابی (در قالب سوالات و پاسخ‌های مکتوب) در مورد گزارش رژیم تجارت خارجی کشور در حال عضویت که برای تعیین موضع مذاکراتی اعضای کارگروه صورت می‌گیرد؛
  - فرایند پیچیده و چندجانبه مذاکرات برای الحاق
- فرایند مذاکرات پیش از الحاق که ممکن است سال‌ها به طول انجامد، ناظر بر فرآیندی بسیار پیچیده و زمان‌بر است که عمدتاً از سه مرحله تشکیل شده است:
- مذاکرات چندجانبه در مورد قوانین که پس از تعیین رئیس در کارگروه صورت می‌گیرد؛
  - مذاکرات دوجانبه در مورد کالاها (جدول تعهدات تعرفه‌ای) و خدمات (جدول تعهدات خاص)؛
  - مذاکرات میان چند طرف در مورد موضوعات مرتبط با کشاورزی (غالباً موضوع یارانه‌ها و همچنین اخیراً مسائل بهداشتی و بهداشت گیاهی و سایر مسائل مرتبط با کشاورزی).



فرایند الحاق (وضعیت کنونی فرایند الحاق لبنان)

منبع: [https://www.wto.org/english/thewto\\_e/acc\\_e/a1\\_liban\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/a1_liban_e.htm) (Last visited as of October 2017)

نتایج مذاکرات الحاق پس از تصویب توسط کارگروه در قالب پروتکل الحاق، برای تأیید به شورای وزیران و یا شورای عمومی ارجاع داده می‌شود.

برخلاف نص بند دوم ماده ۱۲ که حصول اکثریت دو سوم را برای تأیید عضویت کافی می‌داند، در عمل برای تحقق هر یک از مراحل فوق‌الذکر نیاز به اجماع میان تمامی اعضا می‌باشد. چنین وضعیتی موجب می‌شود هر یک از اعضای سازمان، اعم از اصلی و یا جدیدالالحاق، بتواند با اعمال حق وتو و ممانعت از حصول اجماع فرایندی الحاق را با بن بست مواجه سازد. نمونه‌های بارزی از این دست که در آن برخی اعضا با جلوگیری از حصول اجماع برای تعیین رئیس کارگروه جریان الحاق را به بن بست کشانده‌اند یکی مربوط به فرایند الحاق سودان (در فاصله میان سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۶) و دیگری مرتبط با جریان الحاق ایران (که همچنان نیز

متوقف مانده) می‌باشد. الحاق روسیه نیز تا مدت‌ها به دلیل مخالفت‌های گرجستان متوقف مانده و نهایتاً با میانجیگری سوییس از بن بست خارج گشت.<sup>۱</sup>

### ۳,۲ ماهیت الحاق: تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای و فراموافقت‌نامه‌ای

عامل اصلی پیچیدگی فرایند الحاق در ارتباط با محتوی و گستره تعهداتی است که از جانب کشور متقاضی بر عهده گرفته می‌شود. همان گونه که پیش‌تر بیان شد ماده ۱۲ تعیین شروط الحاق را به طور کلی به توافقات میان اعضای سازمان و کشور متقاضی عضویت واگذار می‌نماید. به جهت رویه‌ای که در عمل شکل گرفته و تحقق اجماع میان اعضا را برای حصول هر توافقی لازم می‌شمارد هر یک از اعضا می‌تواند از حق وتویی که به دست آورده برای تحصیل امتیازات از کشور متقاضی بهره برده و نتیجتاً تعهداتی بسیار فراتر از آن چه مورد پذیرش اعضای اصلی قرار گرفته را بر آن بار نماید که از این تعهدات با عنوان تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای یاد می‌شود. در حقیقت تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای شامل تعهداتی می‌گردد که در پروتکل الحاق به آن اشاره شده و فراتر از سطح الزامات مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان می‌باشد.<sup>۲</sup> تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای در مقابل به وضعیت اکثر کشورهای عضو اشاره می‌کند که از برخی رفتارهای ویژه و متفاوت که به اعضای در حال توسعه اصلی اعطا شده محروم می‌باشند. به عبارتی می‌توان بیان داشت اعضای جدیدالالحاق با نوعی رفتار ویژه و متفاوت، اما در جهت نامطلوب، مواجه می‌شوند.<sup>۳</sup> عدم امکان به کار بردن "شیوه‌ی تعرفه گذاری" توسط کشورهای جدیدالالحاق برای تعیین تعرفه‌های کشاورزی و امکان استفاده از "اقدامات احتیاطی خاص" پیش بینی شده در موافقت‌نامه کشاورزی تنها از جانب برخی از آن‌ها مصادیق مهمی از این دست به شمار می‌روند.<sup>۴</sup>

تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای ممکن است در ارتباط با زمینه‌های دسترسی به بازار و یا قوانین باشند. در بحث دسترسی به بازار با کشورهای جدیدالالحاق به مانند کشورهای توسعه یافته برخورد می‌شود، به این معنا که هر دو گروه تقریباً نرخ تمام خطوط تعرفه‌ای خود را تثبیت نموده‌اند، در حالی که وضعیت برای کشورهای در حال توسعه اصلی بسیار متفاوت بوده است. به عنوان مثال کشور ترکیه با تثبیت نرخ تعرفه‌های تنها حدود ۵۰/۳ درصد از خطوط تعرفه‌ای خود برای افزایش نرخ حدود نیمی از خطوط تعرفه‌ای خود با هیچ محدودیتی مواجه نبوده، فلذا فضای سیاست گذاری وسیعی برای خود فراهم آورده است (هرچند کشور ترکیه به موجب موافقت‌نامه تشکیل اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا چنین آزادی عملی را برای افزایش بدون محدودیت تعرفه‌ها از خود سلب نموده). همچنین از لحاظ نرخ تعرفه تثبیت شده نیز در حالی که میانگین نرخ تثبیت شده توسط کشورهای جدیدالالحاق ۱۳/۸ درصد بوده (از ۵/۱ درصد برای مونتنگرو، تا ۳۹/۷ درصد برای وانواتو) میانگین نرخ تعرفه‌های تثبیت شده برای اعضای اصلی به میزان ۴۵/۵ درصد بوده است.<sup>۵</sup> هرچند نرخ تعرفه‌های اعمال شده توسط اعضای اصلی (نرخ تعرفه‌ای که در عمل توسط این کشورها اعمال می‌شود و نه نرخ تثبیت شده آن‌ها) بسیار پایین‌تر از سقف‌های تعیین شده می‌باشد (حدود ۹/۵ درصد در سال ۲۰۱۴)<sup>۶</sup> اما همان گونه که پیش‌تر نیز بیان گردید این کشورها در محدوده نرخ اعمال شده تا نرخ تثبیت شده دارای فضای سیاست گذاری نسبتاً وسیعی هستند،

<sup>1</sup> Osakwe 2015: 244

<sup>2</sup> See Cattaeno and Primo Braga 2009

<sup>3</sup> Bienen and Mihretu 2010

<sup>4</sup> Butkeviciene, Hayashi, Ognitvsev and Yamaoka 2001:156

<sup>5</sup> Osakwe 2015:232

<sup>6</sup> See WTO 2014

حال آن که اعضای جدیدالاحاق با توجه به آن که نرخ خطوط تعرفه‌ای خود را در مرزی نزدیک به نرخ اعمال شده تثبیت نموده‌اند، فضای سیاست‌گذاری کم‌تری را دارا می‌باشند.

تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای در زمینه‌ی دسترسی به بازار ممکن است در بخش خدمات نیز علاوه بر بخش کالاها وجود داشته باشد. در این بخش نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای از لحاظ سطح تعهدات میان اعضای اصلی و جدید وجود دارد. از میان ۱۶۱ زیرمجموعه موجود در بخش خدمات میانگین تعداد زیرمجموعه‌هایی که کشورهای ملحق شده طبق ماده ۱۲، خود را نسبت به آن متعهد ساخته‌اند بالغ بر ۱۰۳ مورد می‌باشد، در حالی که این عدد برای کشورهای توسعه یافته ۹۴، و برای کشورهای در حال توسعه و با کم‌ترین سطح توسعه یافتگی (به غیر از کشورهای ملحق شده طبق ماده ۱۲) تنها نشان دهنده تعهد به فراهم آوردن دسترسی به بازار در ۳۳ زیرمجموعه می‌باشد.<sup>۱</sup> در خصوص بخش‌های مختلف خدماتی نیز از مجموع ۱۲ بخش اصلی، اعضای اصلی بیش‌ترین میزان تعهدات را در بخش گردشگری و پس از آن در بخش خدمات زیربنایی (از قبیل تأمین مالی، خدمات تجاری، ارتباطات، و خدمات حمل و نقل) بر عهده گرفته‌اند. کم‌ترین میزان تعهدات بر عهده گرفته شده توسط این کشورها نیز در بخش خدمات عمومی مانند بهداشت و آموزش می‌باشد.<sup>۲</sup> اما در مقابل کشورهای ملحق شده طبق ماده ۱۲ در تمامی بخش‌های خدماتی به جز محیط زیست، حمل و نقل، آموزش، بهداشت، و خدمات تفریحی که در آن تعهدات کم‌تری را بر عهده گرفته‌اند، سطح ثابتی از تعهدات را پذیرفته‌اند.<sup>۳</sup>

گذشته از تعهدات اضافی برای اعضای جدیدالاحاق در زمینه‌ی فراهم آوردن دسترسی به بازار، در زمینه‌ی قوانین نیز چنین تعهداتی را (تعهداتی که فراتر از مقررات تحت شمول موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی می‌باشد) می‌توان یافت. رژیم حقوقی تجاری اعضای جدید در جریان الحاق به دقت مورد واریسی قرار می‌گیرد تا تمامی موارد تغایر با مقررات سازمان مشخص گردد. عموماً کشورها تا پیش از رفع چنین مغایرت‌هایی امکان عضویت در سازمان را نمی‌یابند و به همین جهت است که کشورهای جدیدالاحاقی مانند چین و روسیه پیش از عضویت در سازمان به ترتیب مجبور به اصلاح ۲۳۰۰ و ۱۱۶۶ مورد از قوانین و مقررات داخلی خود گشتند.<sup>۴</sup> علاوه بر این همان گونه که ماهیت تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای ایجاب می‌نماید این کشورها ملزم به پذیرش تعهداتی نیز گشته‌اند که در بسیاری موارد بسیار فراتر از موازین حقوقی موافقت‌نامه‌های سازمان بوده است.

کشورهای متقاضی عضویت همواره وجود تعهدات فرا موافقت‌نامه‌ای و فراموافقت‌نامه‌ای را ناعادلانه تلقی کرده و نسبت بدان معترض بوده‌اند. وجود چنین تعهداتی علاوه بر آن که نوعی اصلاح در موافقت‌نامه‌های سازمان به شمار می‌رود متضمن نقض اصل عدم تبعیض مندرج در اساسنامه سازمان می‌باشد چرا که این تعهدات تنها نسبت به اعضای جدید اعمال می‌گردد. صرف نظر از غیر منصفانه بودن ذاتی تعهدات مورد اشاره، می‌توان این گونه تعهدات را به عنوان هزینه‌های احتمالی عضویت محسوب نمود که در هر مورد و بسته بر اوضاع و احوال خاص حاکم بر مذاکرات هر الحاق میزان آن متغیر است. با اتخاذ چنین رویکرد واقع بینانه‌ای می‌توان تعهدات خاص الحاق را به ترتیبی که در ادامه آمده به سه دسته کلی تقسیم نمود. همان گونه که در ادامه خواهیم دید بسته به نوع این

<sup>1</sup> Carzaniga, Lim and Lee 2015:643-4

<sup>2</sup> Ibid.

<sup>3</sup> Ibid.

<sup>4</sup> Osakwe 2015:229

تعهدات و تناسب و یا عدم تناسب هر یک با شرایط هر الحاق، در حالی که برخی از آن‌ها مغایر اهداف توسعه طلبانه هستند، برخی دیگر را می‌توان در راستای اعمال اصلاحات نهادی که عموماً در قالب سیاست‌های توسعه‌ای تعقیب می‌گردد به کار گرفت.

### ۳,۲,۱ تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای در زمینه‌ی قوانین با تأثیر مستقیم بر دسترسی به بازار

مصادیق اصلی این قبیل تعهدات به شرح ذیل می‌باشد:

- *تعهدات خاص مرتبط با سرمایه‌گذاری*: این تعهدات در مجموع از جانب ۵ کشور مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>۱</sup> به طور مثال کشور استونی اعطای رفتار ملی در مورد مالیات‌های مستقیم را بر عهده گرفته است. اعضای اصلی سازمان اما به دلیل فقدان موافقت‌نامه‌ی جامعی در مورد سرمایه‌گذاری در میان موافقت‌نامه‌های سازمان هیچ یک چنین تعهدی را بر عهده نگرفته‌اند.
- *آزادسازی حقوق تجاری*: بالغ بر ۳۹ کشور جدیداً الحاق تعهداتی در خصوص حقوق تجاری و الزامات ثبتي برای عملیات صادرات و واردات عهده‌دار گشته‌اند.<sup>۲</sup> به عنوان مثال کشور چین در پروتکل الحاق خود حق تجارت را برای تمامی بنگاه‌های اقتصادی قائل شده است.<sup>۳</sup>
- *پیوستن به طرح‌های صنعتی صفر در برابر صفر به عنوان پیش شرط الحاق*: این طرح‌ها شامل بخش‌هایی از قبیل دارویی و واسطه‌های شیمیایی می‌گردد. همچنین موافقت‌نامه میان چند طرف تجارت هواپیمای غیرنظامی اعضای خود را ملزم می‌دارد تعرفه‌های مربوط به هواپیماهای غیر نظامی و قطعات و لوازم مربوط به آن را به صفر برسانند. موافقت‌نامه فناوری اطلاعات<sup>۴</sup> و اخیراً موافقت‌نامه فناوری اطلاعات ۲ (گسترش موافقت‌نامه فناوری اطلاعات ۲۰۱۵) موافقت‌نامه‌های داوطلبانه‌ای هستند که به حذف تعرفه‌ها در مورد برخی کالاها در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌پردازند
- *تصویب مقررات وارداتی به جز تشریفات گمرکی*: مانند حذف تعرفه‌های سهمیه‌ای و معافیت‌های تعرفه‌ای؛ اوساکوی ۳۴ مورد تعهدات خاص را در این دسته جای می‌دهد.<sup>۵</sup> البته بسیاری کشورها در این بخش رویکرد منعطفانه‌ای دارند، همچنان که روسیه توانست برخی تعرفه‌های سهمیه‌ای را در رابطه با محصولات کشاورزی پس از الحاق نیز حفظ نماید.<sup>۶</sup>

---

<sup>1</sup> Ibid.: 252

<sup>2</sup> Ibid.: 256

<sup>3</sup> WTO 2001: Para 83

<sup>4</sup> ITA 1996

<sup>5</sup> Osakwe (2015:258)

<sup>6</sup> WTO 2011: Para 338-366

- تصویب مقررات صادراتی به ویژه با هدف آزادسازی صادرات مواد خام، شامل محدودسازی عوارض صادراتی، مالیات‌های صادراتی و سایر هزینه‌ها و مخارج مرتبط.<sup>۱</sup>
- آزادسازی بازار تدارکات عمومی از طریق مشروط ساختن الحاق به عضویت در موافقت‌نامه تدارکات دولتی. در حال حاضر ۴۷ کشور عضو این موافقت‌نامه می‌باشند که ۷ عضو آن از کشورهای جدیدالالحاق هستند که به موجب تعهدات ناشی از الحاق به این موافقت‌نامه پیوسته‌اند (ارمنستان، بلغارستان، چین تایپه، کرواسی، استونی، لتونی و لیتوانی) و ۹ کشور جدیدالالحاق دیگر نیز از جمله چین، عمان و اوکراین در حال انجام مقدمات پیوستن به این موافقت‌نامه می‌باشند. همچنین پروتکل‌های الحاق ۵ کشور دیگر از اعضای ملحق شده به موجب ماده ۱۲ از جمله روسیه و عربستان شامل شروطی مبنی بر پیوستن به این موافقت‌نامه می‌باشد.<sup>۲</sup> تعداد ۱۰ کشور جدیدالالحاق (عمدتاً کشورهای دارای اقتصاد کوچک و با کم‌ترین سطح توسعه یافتگی) نیز متعهد به پیوستن به موافقت‌نامه‌ی هواپیمای کشوری گشته‌اند.<sup>۳</sup>
- حذف/اقدامات حمایتی در بخش کشاورزی<sup>۴</sup>: تعداد ۱۸ کشور از مجموع ۳۲ کشور جدیدالالحاق از جمله چین اقدامات حمایتی کشاورزی خود را به صفر رسانده‌اند. از طرف دیگر برخی کشورها مانند عربستان و روسیه امکان اعطای برخی یارانه‌های جعبه زرد (یارانه‌های مخل تولید) را حفظ نموده‌اند.<sup>۵</sup>

### ۳,۲,۲ تعهدات دارای اثر محدود کننده بر تجارت و سیستم مالکیت فکری با تأثیر غیر مستقیم بر دسترسی به بازار

- بنگاه‌های تجاری دولتی:<sup>۶</sup> ۳۳ کشور جدیدالالحاق بالغ بر ۳۲ مورد تعهدات خاص در رابطه با خصوصی سازی، بنگاه‌های دولتی و بنگاه‌های تجاری دولتی بر عهده گرفته‌اند. تعهدات بار شده در این بخش بیش از آن که اجباری در خصوص نفس عمل خصوصی سازی ایجاد نماید، در رابطه با ایجاد شفافیت و اطلاع رسانی می‌باشد.<sup>۷</sup>
- سیاست‌های قیمت گذاری: بیش تر تعهدات در این بخش شامل الزامات مرتبط با شفاف سازی مانند انتشار اطلاعات مربوط به کنترل قیمت‌ها توسط دولت، وضع برخی ممنوعیت‌های صریح الزام آور و اجرایی بر کنترل قیمت‌ها با هدف حمایت از صنایع داخلی، تعیین فهرستی از الزامات ضد تبعیض و وضع محدودیت‌ها بر قیمت گذاری انحصاری<sup>۸</sup>

<sup>1</sup> Ibid.: 264-266

<sup>2</sup> Ibid.: note 157

<sup>3</sup> Ibid.: note 179

<sup>4</sup> Aggregate Measure of Support (AMS)

<sup>5</sup> Ibid.:272

<sup>6</sup> State Trading Enterprises (STE)

<sup>7</sup> Ibid.: 252-3

<sup>8</sup> Ibid.: 254



- سیاست گذاری‌های کلان به ویژه در مورد مبادلات ارزی و تراز پرداخت‌ها. از مجموع ۳۳ عضو جدیدالاحاق تعداد ۱۴ کشور التزام به ماده ۱۲ موافقت‌نامه گات و تفاهم‌نامه الزامات تراز پرداخت‌ها را مورد تأکید مجدد قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>
- تفوق مقررات سازمان تجارت جهانی بر قوانین داخلی: این تعهد از جانب ۶ کشور از مجموع کشورهای ملحق شده به موجب ماده ۱۲ (شامل استونی، اردن، کرواسی، ارمنستان، ویتنام و وانواتا) پذیرفته شده است.
- تشریفات گمرکی (ارزش گذاری گمرکی، قواعد مبدأ، بازرسی پیش از حمل، ابزارهای جبران خسارت تجاری، موانع فنی تجارت، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی و غیره) این تعهدات اغلب در تأکید و توضیح تعهدات موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان و نیز تعهد به بهبود مقررات موجود در رابطه با حاکمیت قانون می‌باشند، مانند پیش بینی قابلیت بازنگری در آرای صادره گمرکی و تأسیس مراجع رسیدگی مستقل.<sup>۲</sup> همچنین امکان استثنای برخی تعهدات مانند تفوق موافقت‌نامه ارزش گذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی بر قوانین داخلی و حذف گواهی رسمی توسط مأمورین کنسولی نیز وجود دارد.<sup>۳</sup> در زمینه موانع فنی تجارت و نیز اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای بسیاری را می‌توان یافت که عمدتاً در رابطه با افزایش میزان شفافیت و حاکمیت قانون می‌باشند. مهم‌ترین مصادیق تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای در در زمینه‌ی موانع فنی تجارت شامل جایگزینی استانداردهای اجباری یا مقررات فنی با استانداردهای اختیاری می‌باشد.<sup>۴</sup> همچنین تعهدات قابل توجهی توسط اعضای جدیدالاحاق مانند روسیه در زمینه‌های بهداشتی و بهداشت گیاهی بر عهده گرفته شده است، مانند ارتقای الزامات موجود برای هماهنگ سازی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی با استانداردهای جهانی، لزوم اخذ نظرات عمومی در خصوص پیشنهادات پیش از تصویب این اقدامات، و بسیاری تعهدات دیگری که فراتر از الزامات موافقت‌نامه بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشند.<sup>۵</sup>
- مناطق آزاد و حمل و نقل: غالب تعهدات در رابطه با مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی شامل تشریح و تأیید مقررات موجود سازمان و نیز الزامات راجع به اطلاع رسانی می‌باشد.<sup>۶</sup> در مورد تعهدات مرتبط با حمل و نقل نیز به طور کلی وضعیت مشابهی وجود دارد، البته استثنائات مهمی نیز در خصوص تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای در این زمینه می‌توان یافت، مانند تعهدات پذیرفته شده توسط اوکراین، روسیه، مونتنگرو و تاجیکستان برای شمول انتقال انرژی تحت ماده ۷.۵

---

<sup>1</sup> Ibid.: 254

<sup>2</sup> Ibid.: 257-264

<sup>3</sup> Ibid.: Notes 75 and 81

<sup>4</sup> Ibid.: Note 137

<sup>5</sup> Ibid.: 268-9

<sup>6</sup> Ibid.: 270-1

<sup>7</sup> Ibid.: Note 169

- موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری: به غیر از تعهدات مرتبط با شفاف سازی، تعهدات فراتر از موافقت‌نامه تریپس عموماً شامل ارتقای سطح حمایت از حقوق مالکیت فکری در کشورهای جدیداللاحق بزرگ مانند چین و روسیه می‌باشد.<sup>۱</sup>
- قوانین در بخش خدمات: به جز تعهدات اضافی مرتبط با شفاف سازی، تعهدات فراموافت‌نامه ای در بخش خدمات عمدتاً شامل تعهداتی در برای ایجاد اطمینان هرچه بیش تر از رعایت ماده ۶ موافقت‌نامه تجارت خدمات می باشد.<sup>۲</sup>

### ۳,۲,۳ شفاف سازی، حاکمیت قانون، نهادسازی و ابهام زدایی از قوانین موجود

علاوه بر تعهدات مذکور در بخش‌های قبلی که غالباً در بر گیرنده‌ی تأیید و تشریح تعهدات موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان و نیز تقویت مکانیزم‌های اجرایی بود، تعهدات مستقل بسیاری در باب شفاف سازی از جانب کشورهای جدیداللاحق پذیرفته شده است. در مجموع ۲۲ کشور جدیداللاحق بالغ بر ۳۳ مورد تعهدات خاص در باب شفاف سازی بر عهده گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

برخی از مهم‌ترین این تعهدات به شرح ذیل می‌باشد:<sup>۴</sup>

- انتشار تمامی قوانین، مقررات، فرامین، آرای قضایی و تصمیمات اداری مربوطه؛
- تأیید مقررات سازمان تجارت جهانی در باب شفاف سازی؛
- اطلاع رسانی پیش از اعمال برخی از قوانین و مقررات؛
- تعیین نحوه‌ی اطلاع رسانی، به معنی معرفی وبسایت رسمی، روزنامه، مجله و غیره؛
- تأسیس مراجع استفسار در برخی زمینه‌ها؛
- تعیین اطلاعات لازم برای انتشار؛
- تهیه‌ی ترجمه‌ی قوانین و مقررات مربوطه؛
- قرار دادن اطلاعات تجاری در اختیار پایگاه داده‌های سازمان تجارت جهانی.

با توجه به مطالب مذکور در بالا و تقسیم بندی ارائه شده می‌توان بیان داشت تعهدات فراموافت‌نامه‌ای در بخش قوانین در غالب موارد شامل تعهداتی در تشریح تعهدات از پیش موجود، تعهدات مرتبط با شفاف سازی و نیز حاکمیت قانون می‌باشد. در موارد معدودی نیز ممکن است تعهدات فراموافت‌نامه‌ای موجب اعمال محدودیت‌های شدیدی بر فضای سیاست گذاری گردد، که می‌توان تعهد به حذف برخی یارانه‌های تولیدی و زیربنایی به ویژه در بخش کشاورزی (یارانه‌های جعبه زرد که در ارتباط با تولید می‌باشند)<sup>۵</sup>، و حذف عوارض صادرات مواد خام را مهم‌ترین نمونه‌های از این دست دانست.

<sup>1</sup> Ibid.: 274-5

<sup>2</sup> Ibid.: 275

<sup>3</sup> Ibid.: 276

<sup>4</sup> Ibid.: 276-8

<sup>۵</sup> در حالی که برخی کشورها مانند چین اعطای یارانه‌های بخش کشاورزی را به طور کلی حذف نموده‌اند، برخی دیگر مانند روسیه و عربستان سعودی حق اعطای یارانه‌های جعبه زرد را در مقیاس ارزشی چند میلیون دلار برای خود محفوظ داشته‌اند. با این وجود کشورهایی که امکان اعطای

پرواضح است کشورها در پذیرش تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای و آزادسازی تجارت باید نهایت مذاقه را در خصوص سازگاری این گونه تعهدات با اهداف و اولویت‌های کلان اقتصادی و توسعه‌ای خود اعمال دارند. اشتباه در محاسبه دقیق آثار و تبعات می‌تواند کشور را در پیگیری اهداف خود در آینده با دشواری مواجه سازد، همان گونه که کشور چین در جریان الحاق خود بدون پیش بینی هیچ گونه استثنایی (مانند استثنائات ماده ۲۰ گات) تعهداتی را در خصوص حذف یارانه‌های صادراتی مواد خام بر عهده گرفت. این کشور بعدها پس از اعمال محدودیت و وضع مالیات بر صادرات مواد خام با هدف حمایت از صنایع پایین دستی، خود را مواجه با دعوایی یافت که از جانب امریکا، اتحادیه اروپا و سایر اعضا مطرح گشته<sup>۱</sup> و امکان استناد به هیچ توجیهی را در مقابل آن نداشت. با وجود برخی اشتباهات و بی دقتی‌ها اما همچنان می‌توان استراتژی الحاق چین را نمونه‌ی مناسبی از یک سیاست گذاری صحیح دانست که این کشور را وارد برهه جدیدی از حیات اقتصادی خود کرده است.

### ۳,۳ آثار توسعه‌ای تعهدات ناشی از الحاق

آثار توسعه‌ای ناشی از الحاق را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ یکی از لحاظ تأثیری که تعهدات مرتبط با دسترسی به بازار می‌تواند بر سطح صادرات و نیز واردات کشور داشته باشد، و دیگری تأثیر بالقوه تعهدات مرتبط با قوانین بر نهادهای موجود در کشور.<sup>۲</sup> اوساکی<sup>۳</sup> در خصوص تأثیرگذاری تعهدات بر قوانین، بیان می‌دارد که تأثیر افزایش سطح تعهدات در این زمینه به طرز قاطعی مثبت می‌باشد و منجر به کاهش خلاءها و مدرن شدن قوانین موجود می‌گردد. البته افزایش شفافیت قوانین می‌تواند از حیث فضای سیاست گذاری ایجاد محدودیت نماید، چرا که امکان تفسیر قوانین در سایه‌ی منافع کشور را سلب می‌کند. فلذا لازم است کشورها در تقبل تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای در زمینه‌هایی مانند سیاست گذاری صنعتی، استراتژی صادراتی، الزامات محتوای محلی، تدارکات دولتی و حقوق مالکیت فکری که از حساسیت بیش‌تری برخوردار بوده و قابلیت اعمال محدودیت‌های شدیدتری را برای دولت دارا می‌باشد نهایت دقت و توجه را اعمال دارند.

در مجموع مطالعات نشان داده است که اصلاحات نهادی، به ویژه به واسطه تعهدات مرتبط با ارتقای حاکمیت قانون و شفاف سازی سیاست تجاری می‌تواند منافع بسیاری را برای کشور در پی داشته باشد. طبق نظر تانگ و وی<sup>۴</sup>، این دست تعهدات بیش‌ترین تأثیر را از حیث ایجاد اصلاحات برای کشورهای دارای مدیریت ضعیف و نیز کشورهایی که بالاترین سطح از این تعهدات را بر عهده گرفته‌اند داشته است. بر اساس مطالعه صورت گرفته کشورهایی که در جریان الحاق اصلاحات نهادی بنیادی تری را صورت داده‌اند

---

یارانه‌های جعبه زرد را ندارند همچنان در اعطای یارانه‌های جعبه سبز و نیز یارانه‌های حداقلی (۵٪ برای کشورهای توسعه یافته و ۱۰٪ برای کشورهای در حال توسعه) آزاد می‌باشند. برای مشاهده تعاریف به موافقت‌نامه کشاورزی سازمان تجارت جهانی و ضمیمه شماره ۱ آن مراجعه کنید.

<sup>1</sup> See China — Measures Related to the Exportation of Rare Earths, Tungsten and Molybdenum (DS – 431,432,433); China — Duties and other Measures concerning the Exportation of Certain Raw Materials (DS – 394,395, 398); China — Export Duties on Certain Raw Materials (DS – 508, 509)

<sup>۲</sup> Economist, Dec 10th 2011, “China’s economy and the WTO, All change” (وسعت هزینه‌های پیوستن مجدد چین به سازمان تجارت جهانی قابل قیاس با درازای زمانی بود که این کشور در انتظار الحاق مجدد مانده بود. چین [نهایتاً برای الحاق] مجبور شد بیش از ۷۰۰۰ مورد از تعرفه‌ها، سهمیه‌ها، و سایر موانع تجاری خود را حذف کرده و یا کاهش دهد. نگرانی‌ها از این بود که رقابت خارجی کشاورزان را بی‌کار کرده و بنگاه‌های پوسیده‌ی دولتی را ساقط نماید. هرچند تا حدودی این امر به حقیقت پیوست، اما در مجموع چین [پس از الحاق] یکی از بهترین دوران حیات اقتصادی خود را در طول تاریخ تجربه نمود.)

<sup>3</sup> Osakwe (2011)

<sup>4</sup> Tang and Wei (2009: 216)

در دوره‌ی زمانی حدوداً ۵ ساله در مقایسه با سایر کشورها در مجموع شاهد نرخ رشد و سرمایه گذاری بالاتری بوده‌اند. در همین راستا در مطالعه‌ی جامعی که اخیراً صورت گرفته نشان داده شده است که میزان ریسک کشوری که از محاسبه‌ی مجموع شاخص‌های ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی به دست آمده و با عنوان راهنمای ریسک کشوری بین‌المللی شناخته می‌شود، و نیز شاخص‌های سیاست گذاری و نهادی که به وسیله ارزیابی نهادی و سیاست کشوری بانک جهانی تعیین می‌گردد، در مورد تمامی کشورهای در حال توسعه، پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی در مقایسه با وضعیت این کشورها در ابتدای الحاق بسیار بهبود یافته است.<sup>۱</sup> حداد، هالوگ و پرتگال پرز<sup>۲</sup> پس از جمع آوری اطلاعات مربوط به عملکرد تجاری سیزده کشور (از جمله چین) که اخیراً به سازمان ملحق شده‌اند، دریافته‌اند که میزان صادرات و واردات در این کشورها متعاقب عضویت در سازمان تجارت جهانی با سرعت بیش‌تری نسبت به سال‌های پیش از الحاق افزایش یافته است. جالب توجه است در حالی که میزان صادرات چین پس از الحاق از میانگین جهانی نیز فراتر رفته ۱۲ کشور دیگر تنها پس از الحاق به میانگین جهانی دست یافته‌اند. همچنین یافته‌ها نشان داده است عضویت در سازمان تجارت جهانی ارتباط مستقیمی با افزایش میزان واردات کالاها، نه تنها در مقایسه با سطح پیش از الحاق، بلکه نسبت به میانگین جهانی دارد. میزان افزایش واردات پس از الحاق در کشورهای بررسی شده با احتساب چین بسیار بالا بوده است، هر چند بدون در نظر گرفتن کشور اخیر نیز این میزان همچنان بالاتر از سطح میانگین جهانی می‌باشد.<sup>۳</sup> در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی آمارها حتی افزایش بیش‌تری را نشان می‌دهند. در ۱۰ کشور بررسی شده به عنوان نمونه از جمله چین میانگین ورودی خالص سرمایه ناشی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی از ابتدای سال منتهی به عضویت در سازمان شروع به افزایش کرده و این روند پس از عضویت نیز ادامه داشته است. این روند صعودی با حذف آمارهای موبوط به کشور چین به نحو بارزتری به نظر می‌رسد، چندان که آمارها در ارتباط با میزان ورودی خالص سرمایه در خصوص ۹ کشور دیگر ارقام بسیار بالایی را نشان می‌دهند.<sup>۴</sup>

می‌توان انتظار داشت الحاق اثرات مثبتی را بر تجارت کشورها داشته باشد هر چند میزان و نوع این آثار همواره ثابت نیست.<sup>۵</sup> ارزیابی هزینه‌ها و فواید الحاق دشوار بوده و مستلزم آن است که در هر مورد با توجه به تعهداتی که کشور متقاضی پیش و پس از الحاق بر عهده می‌گیرد، به ویژه تعهدات مربوط به دسترسی به بازار و تعهدات فراموافقت‌نامه‌ای بررسی مستقلی صورت گیرد. به طور کلی می‌توان بیان داشت هر میزان که اقتصاد کشورها پیش از الحاق بسته باشد (مانند وجود نرخ‌های تعرفه‌ی بالا، وجود موانع غیر تعرفه‌ای، و عدم حضور بیگانگان در بخش خدمات)، احتمالاً واردات پس از عضویت با سرعت بیش‌تری افزایش می‌یابد. همچنین هر میزان بخش عرضه در کشور از وضعیت مساعدتری برخوردار باشد، احتمال بهره برداری هر چه بیش‌تر از دسترسی به بازارهای مقصد صادرات که در نتیجه الحاق به دست می‌آید، و نیز جذب سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی با قابلیت صادرات افزایش می‌یابد.

آثار الحاق به سازمان تجارت جهانی را از حیث آثار کلان اقتصادی می‌توان به طور کلی به شرح ذیل تقسیم نمود:

- آثار واقعی: از جمله آثار مثبتی که الحاق می‌تواند در پی داشته باشد ارتقای قابلیت پیش بینی، امنیت و شفافیت است. می‌توان انتظار داشت صادرات در نتیجه‌ی افزایش تقاضا بیش‌تر شده و سرمایه گذاری، شامل سرمایه گذاری توسط بخش

<sup>1</sup> Haddad, Hollweg and Portugal-Perez 2015: 81

۲۰، ۱۵:۸۸

<sup>3</sup> Ibid.: 90

<sup>4</sup> Ibid: 93-94

<sup>5</sup> Subramanian and Wei 2007

خصوصی به واسطه قابلیت پیش بینی سیاست‌های مالیاتی افزایش یابد. در عین حال افزایش تقاضا احتمالاً منجر به افزایش شدید واردات خواهد شد در حالی که بخش عرضه در صنایع غیر رقابتی تضعیف می‌گردد. از بین رفتن بخش‌های غیر رقابتی در طولانی مدت می‌تواند به افزایش بهره‌وری کمک نماید در حالی که در کوتاه مدت احتمالاً منجر به تحمیل هزینه‌هایی خواهد شد.<sup>۱</sup> آسیب پذیرترین بخش‌ها در الحاق‌های اخیر شامل کشاورزی، فرآوری مواد غذایی، صنایع خودرویی، صنایع هواپیمایی غیر نظامی و صنایع دارویی بوده‌اند.<sup>۲</sup> کاتانو و پریمو نیز به جذب سرمایه و نیروی کار در بخش‌های رقابتی‌تر اشاره می‌کنند که این امر نیز مانند هر طرح اصلاحی برای آزادسازی تجارت هزینه‌هایی را بر بودجه دولتی تحمیل خواهد کرد.

- آثار مالی: آثار الحاق بر بودجه دولتی دقیقاً مشخص نمی‌باشد چرا که بسته به شرایط موجود پیش از الحاق می‌تواند به افزایش درآمد و یا کاهش آن منجر گردد.<sup>۳</sup> به گفته کریو<sup>۴</sup> تأثیرات الحاق بر درآمدهای گمرکی در مجموع اندک می‌باشد. از طرفی الحاق ممکن است با کاهش سطح تعرفه‌ها موجب کاهش درآمدهای گمرکی گردد، از طرف دیگر اما با تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌های گمرکی در نتیجه‌ی الحاق و نیز افزایش جریان واردات به دلیل کاهش موانع می‌توان انتظار افزایش درآمدهای حاصل از اخذ تعرفه را داشت. در بخش صادرات نیز الحاق به احتمال قوی موجب کاهش عوارض صادرات خواهد شد که می‌توان آن را مثبت ارزیابی نمود، چرا که به گفته کریو<sup>۵</sup> اخذ چنین عوارضی باید با هدف مهار سودهای باد آورده در بخش صادرات بوده و جنبه‌ی موقتی داشته باشد. همچنین در بخش مالیات‌های داخلی تأثیر الحاق اندک اما منفی خواهد بود چرا که علی‌رغم فقدان تعهد بر عهده دولت‌ها برای کاهش مالیات‌های داخلی مانند مالیات بر ارزش افزوده، دولت‌ها در عمل برای رعایت حال تجار داخلی و نیز رعایت تعهد رفتار ملی ناگزیر به کاهش مالیات‌ها در این بخش می‌گردند. در خصوص تأثیر الحاق بر هزینه‌ها نیز می‌توان بیان داشت الحاق از سویی می‌تواند با حذف برخی یارانه‌ها مانند یارانه‌های صادراتی منجر به کاهش هزینه‌ها گردد، از سوی دیگر اما الحاق می‌تواند هزینه‌هایی را برای دولت در پی داشته باشد، مانند هزینه‌ی آموزش نیروی انسانی، تهیه‌ی تجهیزات و فناوری‌های جدید، بازنویسی قوانین و مقررات داخلی، و در مجموع هزینه‌های ایجاد زیرساخت‌های تجاری لازم. به نظر نمی‌رسد کاهش هزینه‌ها از محل حذف یارانه‌های پرداختی برای جبران هزینه‌هایی که در مقابل به شرح فوق تحمیل می‌شود کافی باشد.<sup>۶</sup> تمام این عدم قطعیت‌ها موجب شده است تحلیل هزینه و فایده‌ها در رابطه با الحاق به امری بسیار دشوار و پیچیده تبدیل گردد.<sup>۷</sup>

- آثار پولی: سرازیر شدن جریان سرمایه به داخل کشور در نتیجه‌ی الحاق، دولت را در اعمال سیاست‌های پولی در صورت وجود نظام نرخ ثابت ارز محدود مینماید در حالی که در نظام نرخ ارز شناور، آزادسازی جریان سرمایه تأثیر چندانی بر

<sup>1</sup> Kireyev (2015: 122)

<sup>2</sup> Kireyev (2015: 144)

<sup>3</sup> See Ebrill, Stotsky and Gropp 1999 and See Kireyev 2015: 145

<sup>4</sup> Kireyev (2015: 145)

<sup>5</sup> Kireyev (2015: 147)

<sup>6</sup> Kireyev (2015: 149)

<sup>7</sup> See Kavass 2007; Drabek and Woo 2010 and Laird 2009

اتخاذ سیاست‌های پولی نخواهد داشت.<sup>۱</sup> همچنین لازم است کشورها زمینه مناسبی برای وضع مقررات مالی به نحوی که در موافقت‌نامه گتس تجویز شده فراهم نمایند.

- تأثیرات بر تراز پرداخت‌ها: همان طور که پیش‌تر بیان گردید میزان صادرات ممکن است به دلیل فراهم شدن دسترسی به بازارهای خارجی افزایش یابد، از طرفی نیز ممکن است با عدم حمایت کافی از تولید کنندگان داخلی در مقابل کالاهای وارداتی، حذف یارانه‌های صادراتی، و عواملی از این دست در نهایت سطح صادرات پس از الحاق کاهش یابد. واردات نیز به عنوان دیگر عامل تأثیرگذار بر وضعیت تراز پرداخت‌ها به احتمال بسیار قوی به موجب الحاق افزایش می‌یابد مگر آن که به دلایلی از قبیل ناموفق بودن فرایند الحاق در مجموع از سطح تقاضا برای کالاهای وارداتی کاسته شود. در بخش تجارت خدمات نیز صادرات خدمات احتمالاً با تغییر چندانی مواجه نخواهد شد در حالی که واردات آن احتمالاً با افزایش قابل توجهی رو به رو خواهد شد. با این حال در بخش‌های خدماتی که دارای ظرفیت صادراتی مناسبی هستند (مانند حمل و نقل، گردشگری، خدمات مالی و آی تی) می‌توان در میان مدت افزایش چشمگیر صادرات را انتظار داشت.<sup>۲</sup>

از حیث اصلاحات نهادی، عضویت در سازمان تجارت جهانی و به نوعی فشار خارجی حاصل از تعهدات پذیرفته شده در آن می‌تواند با ایجاد امکان برای دولت در مهار لابی‌گری‌های داخلی که به مخالفت با اصلاحات می‌پردازند<sup>۳</sup> مدیریت در بخش تجارت را بهبود بخشد<sup>۴</sup>

صرف نظر از جزئیاتی که در هر الحاق نیاز به محاسبه داشته و تشخیص میزان دقیق هزینه و فایده را دشوار می‌سازد، یکی از اصلی‌ترین پارامترها در معادله الحاق در رابطه با هزینه‌های پنهان اما عظیم خارج ماندن از نظام تجارت جهانی است. در حالی که قریب به ۹۸ درصد از تجارت جهان تحت حکومت مقررات سازمان تجارت جهانی قرار دارد کشورهای خارج از این نظام با ترس از بازماندن از سایر کشورها نهایتاً عضویت در سازمان و پذیرش هزینه‌های هنگفت چنین اقدامی را نه به عنوان گزینه‌ای مطلوب بلکه به عنوان گزینه‌ای با نا مطلوبیت کم‌تر از باقی ماندن خارج از سازمان برمی‌گزینند.<sup>۵</sup>

#### ۴. درس‌هایی برای ایران

##### ۴،۱ تلاش‌های ایران برای الحاق در چشم‌انداز تاریخ

در تمام دوران حیات سازمان تجارت جهانی، فرایند الحاق ایران میان تلاش‌های پراکنده این کشور برای افزایش تعاملات خود با جهان و اقدامات امریکا در جهت منزوی نگاه داشتن آن از طریق کارشکنی در جریان الحاق معلق بوده است. از زمان عضویت ایران به عنوان عضو ناظر در موافقت‌نامه‌ی گات و در طول حیات ۵۰ ساله این موافقت‌نامه ایران هرگز قصد عضویت کامل در آن را نداشته است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰، پس از ناامیدی از آنکتاد، بسیاری کشورهای در حال توسعه به گات روی آوردند، در حالی

<sup>1</sup> Kireyev 2015: 152-153

<sup>2</sup> Kireyev 2015: 152-155

<sup>3</sup> Maggi and Rodriguez-Clare (1998: 601)

<sup>4</sup> Tang and Wei 2009: 216

<sup>5</sup> See Drabek and Woo 2010

که در این دوران ایران با انقلاب داخلی و عواقب بعد از آن، مانند بحران گروگانگیری و نیز طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن بیستم (جنگ ایران و عراق) دست و پنجه نرم می‌کرد.<sup>۱</sup>

در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ دولت پنجم به جهت اشتغال به بازسازی‌های پس از جنگ و عدم توافق میان تمامی جناح‌ها امکان استفاده از فرصت استثنایی موجود جهت پیوستن به گات پیش از مذاکرات دور اوروگوئه را از دست داد. ایران در زمانی به اهمیت و جایگاه ویژه گات پی برد که دور اوروگوئه برگزار شده بود. پس از تلاش اولیه این کشور برای حفظ جایگاه خود به عنوان ناظر در سازمان تجارت جهانی و مخالفت اعضا، ایران برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ در خواست عضویت خود را به سازمان ارائه نمود. در همین سال ایالات متحده آمریکا تحریم‌هایی را در قالب قانون تحریم‌های ۱۹۹۶ (ILSA) علیه ایران و لیبی وضع نمود که تا کنون نیز ادامه دارد.

از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، پرونده‌ی الحاق ایران به دلیل مخالفت صریح ایالات متحده آمریکا حتی برای ملاحظه نیز در دستور کار شورای عمومی قرار نگرفت. پس از تلاش‌های دیپلماتیک بسیار و با همکاری برخی متحدان، پرونده‌ی ایران برای رسیدگی به دستور کار شورای عمومی راه پیدا کرد ولی همچنان در غالب جلسات به جهت مخالفت‌های آمریکا مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت. نهایتاً در ژوئن سال ۲۰۰۵ و در نتیجه‌ی مذاکره موفقیت آمیز برنامه هسته‌ای ایران در آن زمان ایالات متحده آمریکا توسط متحدان اروپایی خود مجاب به پیوستن به اجماع شورای عمومی و تشکیل رسمی کارگروه برای الحاق ایران گشت.

با این حال متعاقباً اختلافات و تنش‌های تازه میان ایران و غرب بر سر برنامه‌ی هسته‌ای منجر به اعمال تحریم‌های جدیدی از جانب شورای امنیت سازمان ملل علیه این کشور شد. این وقایع در کنار تردیدهای دولت وقت برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی موجب شد امضا و تقدیم رسمی اسناد آماده شده ورودی مذاکرات برای حدود ۴ سال به تأخیر افتد. در نهایت دولت ایران در سال ۲۰۰۹ و در فضایی مملو از ابهام گزارش رژیم تجارت خارجی خود را تقدیم نمود که متعاقباً پاسخ به حدود ۷۰۰ سوال مطرح شده به طور ناشناس از جانب اعضا را برای آن در پی داشت. برخی شایعات در سازمان حاکی از آن بود که بسیاری از این سوالات از جانب هیئت امریکایی بوده است. با این حال این بار نیز تلاش‌ها برای الحاق ایران با سد تحریم‌های شورای امنیت، آمریکا و اروپا مواجه شد. پرونده الحاق ایران از سویی در انتظار انتصاب رئیس کارگروه در اولین جلسه خود بود، از سوی دیگر اما مشخص بود آمریکا سیاست معطل نگاه داشتن الحاق ایران را در پیش گرفته است. پس از تمام فراز و نشیب‌ها سرانجام با به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای ایران در جولای ۲۰۱۵ امیدها برای ادامه‌ی مذاکرات و به جریان افتادن فرایند الحاق احیا گشت، فرایندی که بی شک در سال‌های پیش رو نیز همچنان با پیچ و خم‌های سیاسی متعددی مواجه خواهد بود.

وضعیت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در یک نگاه

تاریخ	رابطه ایران و گات/سازمان تجارت جهانی	روابط ایران و غرب	وضعیت نظام تجارت جهانی
۱۹۴۷- دهه ۱۹۶۰	مشارکت ایران در مذاکرات هاوانا	طراحی کودتا برای براندازی دولت محمد مصدق و روی کار آوردن محمد رضا	امضای گات به عنوان پروتکلی با قابلیت اعمال موقتی در سال ۱۹۴۷

<sup>1</sup> See Hiro 1989

<p>عضویت برزیل، پاکستان، کوبا، سوریه و لبنان به عنوان اعضای موسس گات (سوریه و لبنان بعدها از گات خارج شدند)</p> <p>تشکیل ۵ دور از مذاکرات گات</p>	<p>پهلوی توسط آمریکا و انگلیس در سال ۱۹۵۳</p> <p>عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا ۱۹۹۵</p>	<p>عدم تمایل ایران برای عضویت در گات و پیوستن به عنوان عضو ناظر</p>	
<p>دور توکیو (۱۹۷۳-۷۹)</p> <p>عضویت مصر در سال ۱۹۷۰، سنگاپور در سال ۱۹۷۳ و فیلیپین در سال ۱۹۷۹ به گات</p> <p>تشکیل دور اوروگوئه</p>	<p>انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹</p> <p>بحران گروگانگیری ۱۹۸۰</p> <p>جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)</p>	<p>تداوم مشارکت منفعلانه ایران به عنوان ناظر</p>	<p>دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰</p>
<p>تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵</p> <p>تشکیل سه کنفرانس وزیران از جمله در سیاتل که به بحران مشروعیت سازمان تجارت جهانی انجامید</p> <p>عضویت اکوادور و بلغارستان در سال ۱۹۹۶، مغولستان و پاناما در سال ۱۹۹۷، جمهوری قرقیزستان در سال ۱۹۹۸، لتونی و استونی در سال ۱۹۹۹</p>	<p>تحریم ایران و لیبی توسط آمریکا به موجب قانون تحریم‌های ۱۹۹۶ (ILSA)</p>	<p>تلاش ناموفق ایران برای تجدید عضویت به عنوان ناظر در سازمان تجارت جهانی (۱۹۹۵)</p> <p>درخواست ایران برای عضویت در سال ۱۹۹۶</p>	<p>دهه ۱۹۹۰</p>



<p>تشکیل ۴ کنفرانس وزیران و آغاز دور موسوم به دور توسعه دوحه در سال ۲۰۰۱</p> <p>الحاق اردن، گرجستان، آلبانی، عمان و کرواسی در سال ۲۰۰۰</p> <p>لیتوانی، مولداوی و چین در سال ۲۰۰۱، چین تایپه در سال ۲۰۰۲، ارمنستان، یوگوسلاوی سابق و جمهوری مقدونیه در سال ۲۰۰۳، نپال و کامبوج در سال ۲۰۰۴، عربستان در سال ۲۰۰۵، ویتنام و تونگا در سال ۲۰۰۷، اوکراین و کیپ ورد در سال ۲۰۰۸</p>	<p>انعقاد موافقت‌نامه پاریس میان ایران و سه کشور اروپایی در سال ۲۰۰۳ مبنی بر تعلیق موقت غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران</p> <p>مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا برای انعقاد موافقت‌نامه همکاری تجاری در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵</p> <p>ادامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵</p> <p>صدور چند قطعنامه توسط شورای امنیت علیه ایران (قطعنامه‌های ۱۹۶۹ و ۱۷۳۷ در سال ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۴۷ در سال ۲۰۰۷، قطعنامه ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ در سال ۲۰۰۸)</p> <p>وضع تحریم‌هایی علیه ایران از جمله به موجب قانون Iran Freedom and Support توسط</p>	<p>بررسی درخواست ایران در شورای عمومی سازمان برای اولین بار در سال ۲۰۰۱</p> <p>مخالفت با درخواست ایران در شورای عمومی برای بیش از ۲۰ بار به دلیل مخالفت‌های آمریکا در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵</p> <p>عضویت ایران به عنوان ناظر در سازمان تجارت جهانی و تشکیل کارگروه توسط شورای عمومی در سال ۲۰۰۵</p> <p>تقدیم گزارش رژیم تجارت خارجی توسط ایران در سال ۲۰۰۹</p> <p>طرح ۶۹۸ سوال از جانب اعضا در خصوص گزارش عملکرد تجاری ایران در سال ۲۰۰۹</p>	<p>دهه ۲۰۰۰</p>
---	---	---	-----------------

	کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۶		
تشکیل سه کنفرانس وزیران و خاتمه‌ی دور روحه  گسترش موافقت‌نامه‌های فرمانطقه‌ای	صدور قطعنامه‌های ۱۹۲۹ (سال ۲۰۱۰)، ۱۹۴۸ (سال ۲۰۱۱)، ۲۰۴۹ (سال ۲۰۱۲) علیه ایران توسط شورای امنیت	پاسخ مکتوب ایران به ۶۹۸ سوال مطرح شده از جانب اعضا در سال ۲۰۱۱  ممانعت آمریکا از انتصاب رئیس کارگروه برای الحاق ایران در سال ۲۰۱۱	۲۰۱۰-۲۰۱۲
الحاق روسیه، مونتنگرو، سائوتومه، و واناتو در سال ۲۰۱۲	برخی تحریم‌ها از جانب آمریکا از جمله به موجب قانون CISADA در سال ۲۰۱۰، بخش ۱۲۴۵ قانون NDAA و قانون ITRSHRA در سال ۲۰۱۲  برخی تحریم‌ها از جانب اتحادیه اروپا از جمله مقرره شماره ۲۶۷/۲۰۱۲ اتحادیه اروپا		
الحاق جمهوری دموکراتیک خلق لائوس و تاجیکستان در سال ۲۰۱۳، یمین در سال ۲۰۱۴، سیشل و قزاقستان در سال ۲۰۱۵، لیبریا و افغانستان در سال ۲۰۱۶  رسیدن اعضای سازمان تجارت جهانی در مجموع به ۱۶۴ عضو	انعقاد برنامه اقدام مشترک در سال ۲۰۱۳  انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۲۰۱۵  تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در تأیید	صدور بیانیه توسط حدود ۶۰ عضو (از جمله اتحادیه اروپا) در شورای عمومی در حمایت از ادامه‌ی جریان الحاق ایران در می ۲۰۱۶  انعقاد تفاهم‌نامه‌ای میان ایران و اتحادیه اروپا برای انجام مذاکرات دوجانبه الحاق و ابراز تمایل مشابه از جانب برخی دیگر از اعضا در سال ۲۰۱۶	۲۰۱۳-۲۰۱۶

	برجام و لغو ۶ قطعنامه قبل از سال ۲۰۱۵		
	لغو تحریم‌های اتحادیه اروپا و تعلیق تحریم‌های هسته‌ای آمریکا در سال ۲۰۱۵		
تغییر اساسی در سیاست تجاری آمریکا (خروج از پیمان ترانس پسیفسک، مذاکره مجدد موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، اتخاذ سیاست‌های خصمانه در مقابل نظام جهانی تجارت و چین)	تهدید آمریکا به خروج از برجام	تجدید حمایت اتحادیه اروپا از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی	۲۰۱۷
تشکیل یازدهمین کنفرانس وزیران در بوینس آیرس از ۱۰ تا ۱۳ دسامبر ۲۰۱۷			

## ۴,۲ الحاق ایران و اصلاحات نهادی

اکثر همسایگان ایران یا از اعضای مؤسس سازمان تجارت جهانی می‌باشند (مانند پاکستان (از ۱۹۴۸)، ترکیه (از ۱۹۵۱)، قطر (از ۱۹۹۴)، و امارات متحده عربی (از ۱۹۹۴)) و یا طی سال‌های اخیر مراحل الحاق را پشت سر گذاشته‌اند (مانند عربستان (در ۲۰۰۵)، تاجیکستان (در ۲۰۱۳)، یمن (در ۲۰۱۴) و افغانستان (در ۲۰۱۶)). تعداد معدودی از آن‌ها نیز مانند عراق، ازبکستان و اذربایجان هم‌چنان به عضویت کامل سازمان در نیامده‌اند، با این وجود برخلاف ایران، سوریه و لیبی تا کنون جلسات کارگروه متعددی داشته‌اند. ترکمنستان را می‌توان تنها کشوری در منطقه‌ی آسیای غربی و مرکزی دانست که تا کنون درخواستی برای عضویت نداده است.<sup>۱</sup>

سیاست تجاری و اقتصادی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه در سطح ضعیف‌تری قرار دارد. تجارت فرامرزی در این کشور هزینه‌های بسیاری در بر داشته و موجب افزایش هزینه‌ها در مورد کالاهای مصرفی و واسطه می‌گردد. کمبود خدمات زیربنایی و سطح پایین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این بخش‌ها وضعیت تجارت در کشور را بسیار غیر رقابتی کرده است. در حال حاضر

<sup>1</sup> WTO, 2016: 16

وضعیت اقتصاد ایران از حیث شاخص سهولت انجام تجارت رتبه ۱۲۰ را از میان ۱۹۰ کشور به خود اختصاص داده است. ضعیف ترین عملکرد اقتصادی کشور نیز در بخش تجارت فرامرزی می باشد با رتبه ۱۷۰. هر چند وجود تحریمها تأثیرات مخربی را بر وضعیت اقتصاد ایران بار کرده است، لیکن نمی توان عملکرد ضعیف اقتصاد کشور را تنها منتسب به تحریمها دانست. سوء مدیریت در سطح کلان از جمله به واسطه وجود بوروکراسی و ناکارآمدی اداری از دلایل مهمی در این زمینه می باشد که نباید آن را از نظر دور داشت. تلاش های اخیر ایران به ویژه توسط مقامات گمرکی برای ایجاد سیستم پنجره واحد، ارتقای مدیریت الکترونیک، و هماهنگ سازی هر چه بیش تر مقررات گمرکی با قواعد سازمان گمرک جهانی به جهت وجود ناکارآمدی های سیستمی چندان تأثیری در ارتقای جایگاه ایران در رتبه بندی های جهانی نداشته است.

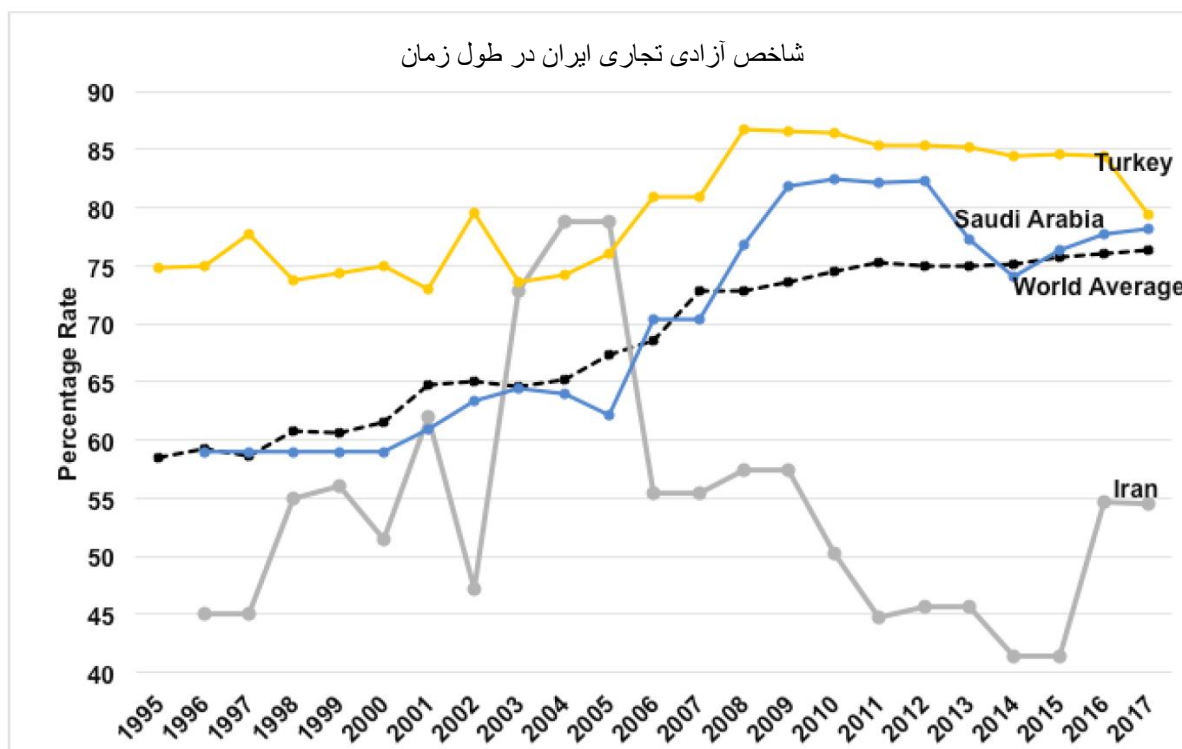
سالها انزوا و دوری از نظام تجارت جهانی، نهایتاً عدم پیش رفت نهادها، ناهماهنگی میان مراجع مختلف تصمیم گیری، نبود شفافیت و عدم قابلیت پیش بینی را در کشور در پی داشته است. در وضعیت موجود، موانع تجاری چه در قالب تعرفهها و یا موانع غیر تعرفه ای و به ویژه در بخش کشاورزی ممکن است یک شبه با عناوینی مانند ضابطه مندی بازار و یا تعدیل عرضه و تقاضا برقرار شده بدون این که از پیش در خصوص آن مشورتی صورت گرفته و یا نگرانی از باب نقض تعهدات بین المللی ایجاد نماید. تمام اینها در حالی است که وضع هرگونه اقدام محدود کننده غیر فنی و غیر تعرفه ای (مانند وضع محدودیت های مقداری و یا ممنوعیت های وارداتی) حداقل روی کاغذ در تمامی برنامه های توسعه ای پنج ساله از زمان برنامه ی توسعه ی سوم (از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵) ممنوع گشته است.

در حقیقت در همان دوران برنامه توسعه سوم (از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵) بود که امیدها برای عضویت در سازمان تجارت جهانی جوانه زده و بیش ترین اصلاحات ساختاری برای تسهیل روند عضویت ایران صورت گرفت. برنامه اصلاحات در این دوره نه تنها حذف موانع موانع غیر تعرفه ای غیر فنی و یا تبدیل آنها به موانع تعرفه ای را شامل می شد، بلکه حذف مجوزهای واردات و انحصارات وارداتی، اصلاحات مالیاتی، معرفی قوانین جدید سرمایه گذاری و تجارت الکترونیک و همچنین برنامه های متعدد خصوصی سازی را نیز در بر می گرفت. چنان که اولین بانکها و شرکت های بیمه خصوصی در این دوره تأسیس شده است. همچنین این دوره شاهد اعمال اصلاحات کلان اقتصادی مانند تک نرخی کردن ارز نیز بوده است. نمودار زیر بیان گر آن است که عملکرد ایران در این دوره بسیار

---

<sup>1</sup> See World Bank, 2017

موفقیت آمیز بوده و شاخص آزادی تجارت در کشور در مدت اجرای برنامه سوم نه تنها فراتر از میانگین جهانی، که در سطح بسیار بالاتری نسبت به بزرگ‌ترین اقتصادهای منطقه قرار داشته است.



Source: <http://www.heritage.org/index/visualize>  
(Last visited on 14 October 2017)

بر خلاف برنامه‌ی توسعه سوم سایر برنامه‌ها در محقق ساختن اهداف و اصلاحات مورد نظر خود چندان موفق نبوده‌اند. دلیل این عدم موفقیت را البته می‌توان در کاهش امیدها برای پذیرفته شدن در سازمان، نبود ظرفیت و زیرساخت‌های لازم و نیز فشار فزاینده‌ی تحریم‌ها یافت.

با در نظر داشتن آن چه در خصوص وضعیت ایران در جریان برنامه‌ی توسعه سوم بیان شد می‌توان گفت الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌تواند فرصتی را فراهم نماید تا ایران در زمینه‌های مرتبط با موانع فنی تجارت، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، تسهیل تجارت و شناسایی حق تجارت به بسیاری اهداف خود که در طول برنامه‌های متعدد توسعه‌ای در پی آن بوده است دست پیدا کند. به ویژه ایجاد مکانیزم‌هایی برای شفاف سازی (چه در نتیجه‌ی تعهدات موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان و یا تعهدات فراموافتت نامه‌ای) می‌تواند موجب بهبود وضعیت نهادها از لحاظ اقتصادی و همچنین سیاست تجاری گردد.

همچنین در نتیجه‌ی اصلاحات می‌توان ارتقای سطح بهره‌وری اقتصادی را با حذف برخی سیاست‌های قیمت گذاری نامناسب فعلی انتظار داشت. هر چند بسیاری از این سیاست‌ها طی سال‌های اخیر کنار گذاشته شده، اما همچنان در برخی زمینه‌ها می‌توان نمونه‌های پیچیده و غیر شفاف از این سیاست‌ها را یافت. در عین حال قیمت گذاری سوخت پایین‌تر از نرخ بازار یکی از ابزارهای اصلی کشور برای تقویت صنایع شیمیایی پایین دستی می‌باشد که باید در جریان مذاکرات پیش از الحاق نسبت به آن توجه کافی

صورت گیرد. همچنان که روسیه و عربستان نیز در جریان الحاق خود حق قیمت گذاری بر اساس یک شیوهی قیمت گذاری توافق شده را برای خود حفظ نمودند.<sup>۱</sup>

زمینه‌هایی را که به عنوان مقاصد احتمالی اصلاحات برشمرده شد می‌توان عوامل اساسی ارتقای سطح رقابت پذیری تجاری یک کشور دانست که در عین حال اعمال اصلاحات در این موارد به صورت یک جانبه و بدون وجود تعهد یا فشار خارجی بسیار دشوار می‌باشد. بدین ترتیب هزینه‌های اعمال چنین اصلاحاتی، مانند آموزش نیروی انسانی و تهیهی تجهیزات آزمایشگاهی و گمرکی و غیره هر چند در ابتدا هنگفت به نظر می‌رسد، در بلند مدت با منافع حاصل از ایجاد زیرساخت‌های تجاری مدرن قابل جبران است.

با این حال اصلاحات در زمینه قوانین می‌تواند در برخی موارد چالش‌های جدی را برای کشور به همراه داشته باشد. برخی موارد از این دست که مستلزم توجه و بررسی دقیق در جریان مذاکرت الحاق است به قرار ذیل می‌باشد:

- حذف یارانه‌های صادراتی: همواره در برنامه‌های توسعه‌ای ایران طی دو دهه اخیر الزاماتی برای دولت مبنی بر اعطای کمک‌های مالی و مالیاتی به تمام فعالیت‌های صادراتی پیش بینی شده است. در عمل با توجه به محدودیت بودجه دولت عموماً چنین مساعدت‌هایی در قالب معافیت‌های کامل از پرداخت مالیات به صادر کنندگان اعطا شده است که حذف آن می‌تواند بر صنایع صادراتی غیر نفتی در داخل اثر گذاری منفی داشته باشد.<sup>۲</sup> اما با نگاهی تاریخی به ریشه‌ی اعطای چنین کمک‌هایی به بخش صادرات درمی‌یابیم این مساعدت‌ها غالباً به عنوان وسیله‌ای برای جبران رژیم ناکارآمد تعیین نرخ ارز بوده است که با ثابت نگاه داشتن نرخ ارز موجب افزایش ارزش ریال داخلی در مقابل دلار آمریکا می‌شده. فلذا تغییر چنین مکانیزمی با رژیم شناور تعیین نرخ ارز می‌تواند حذف یارانه‌های صادراتی (یا معافیت‌هایی مالیاتی) را به طور کامل جبران نماید. به علاوه حمایت‌های دولت از تجارت و صادرات به صورت مدرن کردن و بهبود زیرساخت‌ها می‌تواند محدودیت‌ها در عرضه را به خوبی جبران نماید. چنین اقداماتی طبق موافقت‌نامه‌ی یارانه‌ها و اقدامات جبرانی با هیچ مانعی رو به رو نمی‌باشد.

- مالکیت صنعتی: ایران در حال حاضر ایران عضو بسیاری معاهدات مهم در زمینه‌ی حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد، از جمله کنوانسیون پاریس در حمایت از مالکیت صنعتی که به عنوان بخشی از حقوق داخلی به اجرا در می‌آید. با این وجود همچنان کاستی‌های بسیاری در زمینه‌ی حمایت از حقوق مالکیت فکری موجود است که با تقویت نهادهای مسئول در این زمینه می‌توان آن را رفع نمود و عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در تحقق این امر داشته باشد. همچنین با توجه به تجربه‌ی برخی کشورهای اخیراً الحاق می‌توان پیش بینی کرد ایران نیز در جریان الحاق خود با درخواست بعضی کشورهای بزرگ صنعتی مبنی بر ارتقای مکانیزم حمایت از حقوق مالکیت فکری در برخی زمینه‌های حساس مانند داروسازی مواجه شود. تا جایی که پذیرش چنین تعهداتی موجب فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای سرمایه گذاری و نیز اصلاحات حقوقی گردد توصیه می‌شود با مجموعه‌ی متناسبی از این تعهدات که زمینه‌ی توسعه‌ی صنعت بیوتکنولوژی را ایجاد می‌نمایند و نه مانعی در برابر آن در جریان الحاق موافقت گردد.

- حق تکثیر: با وجود آن که ایران در حال حاضر از مقررات قابل قبولی در حمایت از نویسندگان داخلی برخوردار می‌باشد، به جهت عدم عضویت در کنوانسیون برن می‌تواند نسبت به حمایت از آثار منتشر شده در خارج از کشور تبعیض قائل گردد.

<sup>1</sup> See WTO, 2005, Para: 33 and WTO, 2011, Para 132

<sup>2</sup> Generally see Shiravi and Nazarnejad, 2011

بنا بر پیش بینی موسای<sup>۱</sup> حذف یارانه‌ها در بخش کتاب (که لزوماً از تعهدات ناشی از عضویت در سازمان تجارت جهانی نمی‌باشد) و پرداخت حق امتیاز به نویسندگان خارجی (که از تعهدات ناشی از موافقت‌نامه تریپس می‌باشد) به طور میانگین موجب افزایش ۷/۵ درصدی بهای کتاب می‌گردد. این امر در کوتاه مدت می‌تواند موجب کاهش ۱۳/۳۵ درصدی تقاضا در این بخش گردد. با توجه به کثرت بالای تقاضا در ایران نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که در صورت پرداخت یارانه به طور مستقیم به مصرف کننده به جای پرداخت آن به ناشر می‌توان انتظار داشت تغییری در میزان تقاضا برای کتاب ایجاد نشود. در عین حال انتظار می‌رود در طولانی مدت میزان عرضه از لحاظ تعداد نسخ چاپی افزایش یابد.<sup>۲</sup> در خصوص پذیرش سایر تعهدات فراموافت‌نامه‌ای در زمینه‌ی مالکیت فکری لازم است احتیاط کامل صورت گیرد به ویژه با توجه به آن که تنها تعداد معدودی از کشورها چنین تعهداتی را، مانند پیوستن به کنوانسیون‌های اضافی سازمان جهانی مالکیت فکری، از جمله معاهده حق تکثیر وایپو (WCT) و معاهده حمایت از اجرا کنندگان و تولید کنندگان آثار صوتی وایپو (WPPT) بر عهده گرفته‌اند.<sup>۳</sup> ناگفته نماند در پذیرش حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت فکری لازم است آثار بالقوه چنین تعهداتی بر صنایع توپای داخلی از پیش سنجیده شود.

- حمایت‌های کشاورزی (جعبه زرد): ایران به احتمال زیاد در جریان الحاق خود با درخواست کاهش حمایت‌های جعبه زرد (حمایت‌های مرتبط با تولید) و یا حداقل تثبیت این دست حمایت‌ها مواجه خواهد شد. چنین حمایت‌هایی در ایران نه به صورت پرداخت یارانه مستقیم، بلکه عمدتاً در قالب مکانیزم‌های حمایت قیمتی و یا تضمین قیمت‌های خرید اعطا می‌گردد. با توجه به حساسیت بخش کشاورزی در ایران، به ویژه در بخش کالاهای اساسی باید بیان داشت هر استراتژی موفق برای الحاق باید امکان اعطای سطح معقولی از حمایت‌های جعبه زرد را فراهم نماید. رویکرد مشابهی را می‌توان در جریان الحاق روسیه و عربستان و خلاف آن را در الحاق چین مشاهده کرد. در عین حال با در نظر گرفتن بحران آب و سایر چالش‌های زیست محیطی در ایران، لازم است برای رفع چنین چالش‌هایی حمایت‌های جعبه سبز که اعطای آن طبق مقررات سازمان با هیچ مانعی مواجه نیست بیش از پیش به کار گرفته شود.<sup>۴</sup>

سایر چالش‌های احتمالی در مسیر الحاق شامل حذف اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، و علی‌الخصوص الزام محتوای محلی می‌باشد.<sup>۵</sup> با وجود روند رو به افزایش استفاده از این اقدامات (مانند وضع ضابطه "ساخت آمریکا") در جهان، سابقه‌ی استفاده از آن‌ها در ایران، مگر در خصوص تدارکات دولتی و پروژه‌های زیربنایی چندان گسترده نمی‌باشد. در این زمینه چند نکته را نباید از نظر دور داشت؛ اولاً، توصیه می‌شود این اقدامات در طول دوره پیش از الحاق تا عضویت نهایی به صورت حساب شده به کار گرفته شده تا این که متعاقب عضویت نهایی به طور کامل متوقف گردد. دوماً، در جریان الحاق توسط اعضای کارگروه از ایران خواسته خواهد شد تا به موافقت‌نامه تدارکات دولتی بپیوندند. این موافقت‌نامه که اکثریت اعضای موسس سازمان ترجیح داده‌اند به آن ملحق نشوند با عنایت به بزرگی بازار تدارکات دولتی در ایران می‌تواند از حیث دسنرسی به بازار آثار نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. با این حال

<sup>1</sup> Musai, (2008)

<sup>2</sup> Ibid.: 25

<sup>3</sup> Bhattacharya and Laker Apecu 2014: 808

<sup>4</sup> See Bakhshi et al. 2010: 21

<sup>5</sup> See Shiravi and Pouresmaili 2011

بسیاری اعضای جدیدالحاق جهت تسریع الحاق خود و یا تقویت نهادهای داخلی و با توجه به الزامات مرتبط با شفاف سازی و عدم تبعیض این موافقت‌نامه در مورد مناقصات عمومی پیوستن به این موافقت‌نامه را همزمان با الحاق و یا مدتی پس از آن پذیرفته‌اند.

چالش بعدی که می‌توان به آن اشاره داشت در ارتباط با عوارش و مالیات بر صادرات می‌باشد. هر چند این گونه دریافت‌ها در ایران چندان رایج نمی‌باشد، اما همچنان در مواجهه با هر درخواستی برای حذف و یا تثبیت مالیات بر صادرات باید با نهایت مذاقه برخورد شود، چرا که از نقطه نظر سیاست گذاری‌های صنعتی وضع چنین مالیات‌هایی می‌تواند در جهت افزایش تنوع اقتصادی با تشویق صادرات کالاهای پیچیده‌تر و پایین دستی به جای صادرات مواد خام به کار گرفته شود.

با عنایت به توضیحات فوق‌الذکر در مجموع می‌توان گفت در صورت مدیریت مناسب و پذیرش مجموعه‌ی متناسبی از حقوق و تعهدات در جریان الحاق، فواید عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از لحاظ اصلاحات ساختاری می‌توند از هزینه‌ی این اقدامات فزونی یابد.

### ۴,۳ تأثیر الحاق ایران بر دسترسی به بازار

ایران به عنوان بیستمین اقتصاد بزرگ جهان از لحاظ بزرگی بازار<sup>۱</sup> طبیعتاً از نگاه سایر کشورها بازاری بزرگ و خالی از رقیب برای صادرات کالاهایشان تلقی می‌گردد. در عین حال تنوع اقتصادی در ایران از بسیاری کشورهای نفت خیز در منطقه بیش‌تر است. سهم نفت و گاز در ارزش افزوده ناخالص ایران در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۳ درصد بوده که کم‌تر از مقدار مشابه برای امارات (با ۳۰٪) و کویت (با ۵۰٪) می‌باشد.<sup>۲</sup> چنین سطحی از تنوع در نتیجه‌ی حمایت از تولیدات متنوع داخلی در مقابل رقابت خارجی حاصل شده است. انزوای بازار داخلی یا وجود اقدامات حمایت‌گرایانه و یا ترکیبی از این دو، هر کدام را که موثر بدانیم در هر حال کالاهای تولید داخلی در اغلب بخش‌های بازار حضور دارند. به طور مثال بیش از ۹۰ درصد بازار خودرو و محصولات دارویی در ایران از تولیدات داخلی تأمین می‌گردد و واردات کالاهای مصرفی روزانه تنها ۸ درصد از بازار داخلی را به خود اختصاص داده است.<sup>۳</sup> واردات بسیاری از محصولات کشاورزی شامل میوه و سبزیجات و لبنیات، منوط به پرداخت تعرفه‌های بسیار بالا و یا مشمول ممنوعیت‌های وارداتی می‌باشد. این امر بر بهره‌وری عوامل در بخش‌های مورد حمایت داخلی در مقایسه با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها دارای اثرگذاری منفی بوده است.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب مشخص می‌گردد یکی از چالش برانگیزترین بخش‌های مذاکرات الحاق مربوط به مذاکرات دوجانبه در رابطه با دسترسی به بازار می‌باشد که نهایتاً به کاهش تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای، و نیز آزادسازی بازار خدمات به موجب تسهیل مقررات محدود کننده منجر می‌گردد. در بخش کالاها علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر برای کاهش قابل توجه نرخ تعرفه‌ها، میانگین فعلی همچنان بسیار بالاتر از میانگین جهانی می‌باشد. میانگین تعرفه‌های وارداتی در ایران در سال ۲۰۱۵ چیزی در حدود ۱۸/۷۱ درصد بوده است. به طور دقیق‌تر در بخش کالاهای صنعتی این میزان ۱۷/۱۲ و در بخش محصولات کشاورزی ۲۶/۴۳ درصد

<sup>1</sup> World Economic Forum 2016

<sup>2</sup> McKinsey, 2016: 12

<sup>3</sup> See Ibid.

<sup>4</sup> Ibid.



را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> در بخش کشاورزی محاسبه‌ی میزان تعرفه‌های موجود با پیچیدگی‌های خاصی رو به رو می‌باشد. چنان که علی‌رغم وجود نرخ‌های تعرفه‌ی پایین در برخی موارد در مقایسه با کشورهای عضو سازمان در منطقه (مانند ترکیه و مصر)، در برخی بخش‌های حساس به دلیل وجود موانع غیر تعرفه‌ای متعدد همچنان حمایت گسترده‌ای از تولیدات کشاورزی داخلی صورت می‌گیرد. گندم را می‌توان نمونه‌ی بارزی از این دست دانست که پیش‌بینی نرخ تعرفه‌ی ۱۰ درصدی برای آن با وجود وضع ممنوعیت کامل برای ورود این کالا از زمان آغاز برنامه خودکفایی بلاوجه گردیده.

در مطالعات اندکی برای محاسبه‌ی آثار آزادسازی اقتصاد ایران در نتیجه‌ی الحاق بر رفاه اقتصادی کلی، میزان واردات و صادرات، نرخ بیکاری، برابری و غیره از مدل‌های اقتصادی استفاده شده است. به اعتقاد عزیزنژاد آزادسازی تدریجی کالاهای واسطه و سرمایه‌ای می‌تواند موجب رشد و کارایی بیش‌تر اقتصاد کشور گردد. در مطالعه‌ای که اخیراً بر اساس مدل تعادل عمومی، صورت گرفته است فرج زاده در تأیید نظریات استاندارد تجارت بین‌المللی بیان می‌دارد در فرض آزادسازی کامل، ایران با افزایشی در حدود ۸/۹ درصد در تولید ناخالص داخلی خود و به ترتیب ۱۳/۲ و ۹/۳ درصد برای رفاه خانوارهای شهری و روستایی مواجه خواهد شد. بر همین اساس پیش‌بینی شده است حذف موانع تجارت خارجی می‌تواند نابرابری میان اقشار جامعه را به نفع خانوارهای پردرآمد و شهرنشین افزایش دهد.<sup>۲</sup>

یکی از مهم‌ترین ایراداتی که می‌توان بر این محاسبات که بر اساس مدل تعادل عمومی صورت گرفته وارد آورد این می‌باشد که صرف نظر از نقص اطلاعات در برخی موارد، این مدل‌ها با نادیده گرفتن هزینه‌های متحمل در دوران گذار به سوی آزادسازی، دربرگیرنده‌ی نوعی گرایش در نشان دادن اطلاعات به نفع آزادسازی می‌باشند. نباید از نظر دور داشت حمایت‌های گسترده صورت گرفته در بخش کشاورزی و نیز برخی صنایع (مانند خودروسازی، پوشاک و نساجی، و داروسازی) در کنار منزوی و غیر رقابتی ماندن بخش خدمات برای سالیان طولانی می‌تواند هزینه‌های گزافی را برای گذر از یک اقتصاد منزوی به بازاری آزاد، رقابتی و کارآمد در کوتاه مدت و میان مدت در پی داشته باشد.

به همین جهت ضروری است در کنار عادی سازی روابط مالی و تجاری با جهان، فرایندی آزادسازی به صورت تدریجی در پیش گرفته شود. قدم اول در این راستا تبدیل تمام موانع غیر تعرفه‌ای (به ویژه در بخش کشاورزی که گستردگی بیش‌تری دارند) به نرخ‌های تعرفه‌ای مشخص و هم‌زمان کاهش نرخ تعرفه‌ها و اعمال اصلاحات کلان اقتصادی به ویژه در رابطه با سیاست‌های ارزی می‌باشد. ایران نیز مانند بسیاری دیگر از کشورهای صادرکننده نفت که با بیماری هلندی دست به گریبانند، با اتخاذ سیاست ثابت نگاه داشتن نرخ ارز، موجب افزایش ارزش پول داخلی و نتیجتاً ارزان‌تر شدن واردات نسبت به وضعیت رژیم نرخ ارز شناور شده است. چنین سیاستی تا حد زیادی اثر حمایتی اخذ تعرفه‌های بالا از واردات را خنثی ساخته<sup>۳</sup> فلذا تغییر آن باید در کنار سایر اصلاحات در دستور کار قرار گیرد. امیدوارکننده آن که ایران پیش از این در جریان برنامه توسعه سوم (از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵) توانسته است سیاست نرخ ارز شناور را با موفقیت اعمال نماید، هرچند تداوم این سیاست به دلایل مختلف از جمله تحریم‌های فراوان اقتصادی پس از آن زمان هرگز مجدداً امکان پذیر نشده است. ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور حاوی الزامی دائمی مبنی بر اعمال سیاست نرخ ارز شناور می‌باشد.

<sup>1</sup> Bigdeli ۲۰۱۷

<sup>2</sup> Ibid.

<sup>3</sup> See Lotfalipour et al, 2012

در ادامه لازم به ذکر است سیاست کاهش نرخ‌های تعرفه که پیش‌تر بدان اشاره گردید نباید به صورت یک جانبه صورت گیرد.<sup>۱</sup> کاهش تعرفه‌ها و نیز سایر آزادسازی‌ها از این دست ترجیحاً باید در قالب موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی با شرکای تجاری مورد نظر و در بازه‌های زمانی ۵ الی ۱۰ ساله صورت گیرد. چنین سیاستی امکان این را فراهم می‌نماید تولید کنندگان داخلی به مرور برای سطح رقابتی که پس از عضویت در سازمان ایجاد می‌گردد آماده شده و در عین حال با رفع موانع تجاری، به ویژه برای صنایع مبتنی بر منابع (و علی‌الخصوص صنایع پایین دستی) و همچنین سایر بخش‌های رقابتی فرصت دسترسی به بازارهای خارجی فراهم می‌سازد. لازم به ذکر است صرف الحاق و یا آزادسازی الزاماً تنوع و یا پیچیده سازی صادرات را در پی نخواهد داشت.<sup>۲</sup> فلذا سیاست‌های لازم برای رفع محدودیت‌ها در برابر عرضه باید هم‌زمان با مذاکرات برای انعقاد موافقت‌نامه‌های تجاری در پیش گرفته شود.

در مجموع نظر به آن که غالب چالش‌های پیش روی ایران در مسیر الحاق مرتبط با بحث دسترسی به بازار می‌باشد، اتخاذ هر گونه سیاستی در این باب که رفع کامل تحریم‌های سیاسی و اقتصادی را در بر نگیرد (ولو این که وجود این تحریم‌ها مغایرتی با مقررات سازمان نداشته باشد) کف‌ی فواید را بی بار تر از آن می‌سازد که توان غلبه بر هزینه‌های الحاق را داشته باشد. فلذا باید بیان داشت جریان الحاق و نتیجه بخشی نهایی آن در ارتباط تنگاتنگی با مسائل سیاسی و ژئوپولیتیک و به ویژه روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا خواهد داشت.

#### ۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

سال هاست ایران به دلیل فضای سیاسی و جغرافیایی پیچیده ای که در آن قرار دارد، پشت درهای مهمترین سازمان تجاری جهان مانده است. اگر ورود به این سازمان به عنوان فرصتی برای پیوستن به اقتصاد جهانی محقق گردد، ایران همچنان به دلیل ورود دیر هنگام با زیان‌های متعددی روبه رو خواهد شد، از جمله لزوم پرداخت هزینه‌های بیش از معمول، برای الحاق به سازمانی که جایگاه آن رو به افول است. با توجه به تجربه ی کشورهای اخیراً الحاق، می‌توان بیان داشت امروزه هر کشوری که قصد عضویت در سازمان تجارت جهانی را داشته باشد می‌بایست، اصلاحات سازمانی بنیادین، و آزادسازی سرمایه گذاری و تجارت را در سطحی فراتر از آنچه اعضای در حال توسعه ی اصلی انجام داده اند، صورت دهد.

صرف نظر از اختلاف نظرهایی که در رابطه با تأثیر نظام تجارت جهانی بر فضای سیاست گذاری کشورهای در حال توسعه وجود دارد، شواهد نشان داده است برخی کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند از فرصت‌های موجود در سازمان برای تحقق اهداف توسعه ای خود استفاده نمایند. مرحله‌ی الحاق نیز مستثنی از این امر نمی‌باشد. فرایند الحاق، بسته به جزئیات مربوط به تعهدات الحاقی و همچنین سطح مشارکت جدی کشور متقاضی می‌تواند منجر به تسریع توسعه و یا در مقابل توقف آن گردد. کشورهایی که به الحاق به جای یک هدف به عنوان وسیله‌ای در خدمت استراتژی خود برای توسعه نگاه کردند، توانسته‌اند از این فرصت به عنوان محرکی برای اصلاحات استفاده نمایند. سیاست الحاق باید به جای آنکه تحت فرمان قدرت‌های فرصت طلب نئولیبرال درآید، به عنوان ابزاری جهت تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه صنعتی مناسب در دنیایی با تولیدات جهانی مورد استفاده قرار گیرد. در رابطه با ایران، مذاکرات الحاق می‌توان فرصتی باشد برای اعمال سیاست‌هایی که همواره در قوانین توسعه‌ای از جمله برنامه‌های پنج ساله ی توسعه مطرح بوده لیکن هرگز فرصت اجرا نیافته است. از این منظر، ایران می‌تواند از مزایایی نظیر افزایش شفافیت، حکومت قانون و نیز بهبود کیفیت نهادهای سیاست گذاری تجاری و اقتصادی بهره مند گردد.

<sup>1</sup> See Trebelcock 2011: 5

<sup>2</sup> Habibi 2011:153

بدیهی است موفقیت این استراتژی منوط به وجود پیش نیازهایی است؛ از جمله دسترسی به اطلاعات و تخصص مناسب به عنوان لازمه‌ی طراحی یک سیاست تجاری معقول و تعیین «خط قرمزها» و موارد انعطاف. همچنین موفقیت استراتژی الحاق مستلزم وجود یک فضای اقتصادی و سیاسی می‌باشد که سیاست گذاران را در جهت فاصله گرفتن از لابی‌گری های داخلی توانمند ساخته و در عین حال امکان حضور نهادهای مدنی و ذینفع را در طراحی سیاست های تجاری مناسب و اجرای این سیاست‌ها در جریان مذاکرات فراهم نماید.<sup>1</sup>

علی رغم فواید بالقوه الحاق در حوزه قوانین، باید در زمینه آزادسازی دسترسی به بازار، با احتیاط مضاعفی عمل شود. چرا که به لحاظ انزوای اقتصادی کشور و اقدامات حمایت‌گرایانه تجاری در سال‌های گذشته، متنوع سازی اقتصاد به دور از فضای رقابتی صورت گرفته و در بخش‌های مختلف سطح بهره‌وری پایینی مشاهده می‌گردد، فلذا آزاد سازی بدون مدیریت صحیح می‌تواند لطمات جدی به اقتصاد کشور وارد نماید. توصیه می‌شود فرآیند «آزادسازی مدیریت شده» با رعایت موارد ذیل صورت گیرد:

اولاً می‌بایست تأثیر کلی تمام اقدامات حمایتی از قبیل موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و همچنین تأثیر سایر سیاست‌هایی که در عمل چنین حمایت‌هایی را خنثی می‌سازد، مانند سیاست افزایش نرخ ارز که دارای اثرگذاری منفی بر صادرات بوده و نیز سیاست‌های اشتباهی که به افزایش سطح تجارت غیر رسمی می‌انجامد شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرد.<sup>2</sup>

ثانیاً موانع غیر تعرفه‌ای از قبیل ممنوعیت‌های وارداتی، باید پیش از اجرای هرگونه سیاستی جهت کاهش تعرفه‌ها به موانع تعرفه‌ای تبدیل گردند.

ثالثاً به جای کاهش نرخ‌های تعرفه و اعمال سیاست‌های آزادی سازی در حوزه کالا و خدمات به نحو یک جانبه، این فرایند باید در چارچوب قراردادهای دوجانبه و موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی منطقه‌ای صورت گیرد. همچنین با توجه به وضعیت پیچیده ی ژئوپولیتیک ایران که به پیچیدگی‌های فرایند الحاق این کشور به سازمان تجارت جهانی نیز می‌افزاید، لازم است یک استراتژی تجاری دو سویه به شرح ذیل اتخاذ گردد:

نخست باید رعایت موافقتنامه‌های سازمان و الزامات آن در حوزه قوانین و اصلاحات ساختاری به طور جدی در دستور کار قرار گیرد، در حالی که از سوی دیگر آزادسازی دسترسی به بازار باید به صورت متقابل و در قالب موافقت‌نامه‌های دو جانبه و منطقه‌ای صورت گیرد. مرحله‌ی اول مستلزم حضور جدی ایران در جریان مذاکرات پیش از الحاق در زمینه‌ی قوانین، ترجیحاً از طریق یک کارگروه رسمی، و در صورت ممکن نبودن این امر به جهات سیاسی در قالب گفتگو در گروهی چند جانبه متشکل از برخی اعضای سازمان به منظور بررسی رژیم سیاست تجاری ایران می‌باشد. این رویه می‌تواند در کنار امیدها برای فضای مساعد تجاری بعد از توافق هسته‌ای سال ۱۳۹۴، به عنوان یک دیپلماسی موثر تجاری و با هدف خروج از انزوای تحمیل شده به اقتصاد کشور به کار گرفته شود. در حوزه ی دوم نیز آزادسازی دسترسی به بازار از طریق موافقت نامه‌های تجارت ترجیحی (PTA) صورت خواهد گرفت که ایران باید با کشورهای هدف برای صادرات محصولات خود منعقد سازد.

<sup>1</sup> See Evans: 1995

<sup>2</sup> تحریم‌ها بی‌شک تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری تجارت غیر قانونی و غیر رسمی داشته است. گفته شده در دوران اوج تحریم‌ها بیش از پنجاه درصد از واردات ایران از مبادی غیر رسمی و بدون نظارت و پرداخت مالیات صورت گرفته است.

در نتیجه، ایران باید «فرایند» الحاقش به WTO را از «اقدام نهایی» الحاق متمایز نماید. در حقیقت برای موفقیت ایران در جریان الحاق لازم است این کشور از حضور خود در سازمان به عنوان فرصتی برای اصلاحات نهادی استفاده نماید و در کنار آن سیاست آزادسازی بازار را در سطح توافقات دو جانبه و منطقه ای در پیش گیرد. اتخاذ این تصمیم مزایایی را برای ایران به دنبال خواهد داشت:

(۱) در حالی که تولیدکنندگان داخلی را به تدریج برای رقابت جهانی آماده می‌سازد به طور همزمان فرصت "بین‌المللی شدن" را به ویژه در صنایع منابع محور و همچنین تجارت‌های مستعد صادرات فراهم می‌آورد.

(۲) این اقدامات قدرت چانه زنی ایران را در جریان مذاکرات پیش از الحاق افزایش می‌دهد. چرا که هرگونه تأخیر در فرایند الحاق ایران با توجه به رفتار و نرخ‌های تعرفه ترجیحی اعطا شده از جانب ایران به کشورهای طرف موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی، به ضرر کشورهای عضو سازمان که طرف چنین موافقت‌نامه‌هایی قرار ندارند تمام خواهد شد.

(۳) بدین ترتیب صادرکنندگان ایرانی پس از الحاق به جای اکتفا به نرخ‌های تعرفه‌ای کامله‌الوداد که نسبت به تمامی کشورها به طور یکسان اعمال می‌گردد، می‌توانند از ترتیبات تجاری مطلوب‌تری به موجب موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی برخوردار گردند.

رابعا: هرگونه سیاستی برای آزادسازی تجاری باید توأم با حداقل دو سطح از سیاست‌های تکمیلی باشد:

نخست سیاست گذاری‌های صنعتی قوی به منظور افزایش ظرفیت تولید (عرضه‌ی) داخلی از طریق از بین بردن اختلالات بازار که برای عرضه ایجاد محدودیت می‌نمایند.

و دوم یک سیاست جامع اجتماعی که در جریان گذر به سوی اقتصاد آزاد و بهینه حداکثر حمایت را از اقشار ضعیف جامعه که در صنایع غیر رقابتی مشغول به کار می‌باشند به عمل می‌آورد. در راستای اعمال چنین سیاستی ممکن است لازم باشد حمایت‌هایی برای حفظ برخی بخش‌ها و صنایع بسیار حساس، علی‌رغم ناکارآمدی اقتصادی این بخش‌ها صورت گیرد. اگرچه پیش برد چنین سیاستی از نقطه نظر مذاکراتی دشوار می‌نماید، با این حال باید متذکر شد تمامی کشورها سیاست‌های جایگزینی بدین نحو را برای آمادگی در شرایطی که ماحصل الحاق در مقایسه با هزینه‌های آن قابل توجه نباشد در نظر می‌گیرند.

نهایتاً در جدی‌ترین مرحله مذاکرات الحاق نمی‌توان "اقدام نهایی الحاق" را جدای از فضای ژئوپولیتیک و سیاست‌های خارجی، علی‌الخصوص نوع روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا در نظر گرفت. در صورتی که در استراتژی الحاق رفع تمامی تحریم‌های یک جانبه و چندجانبه پیش‌بینی نگردد (صرف نظر از قانونی و یا غیر قانونی بودن چنین تحریم‌هایی طبق موافقت‌نامه‌های سازمان)، بهره‌برداری از بسیاری منافع بالقوه الحاق غیر ممکن خواهد شد. به همین ترتیب در زمینه‌ی داخلی نیز نتیجه بخشی نهایی عضویت در سازمان تجارت جهانی در گرو وجود اراده‌ی قوی در تمامی سطوح حاکمیتی و نیز حمایت جمعی از جانب تمامی نهاد‌های داخلی می‌باشد. تنها در چنین شرایطی است که ایران می‌تواند از مزایای توسعه‌ای حضور دوباره در اقتصاد جهانی به طور کامل بهره‌برداری نماید.

- Amsden AH, Hikino T (2000) The bark is worse than the bite: new WTO law and late industrialization. *Annals of American Academy of Political and Social Science* 570(1):104-114. doi:10.1177/000271620057000108
- Apecu Laker J (2014) African participation at the World Trade Organization: legal and institutional aspects, 1995–2010. Brill Nijhoff, Leiden
- Aziznejad A, Tari F, Seydnourani SMR (2012) Elhaq-e Iran be sazman-e tejarat-e jahani va asare an bar baredat-e kalahay-e vaseteyi-sarmaye-i Iran (Iran joining WTO and its effects on the import of capital-intermediate commodities). [Payame Noor University] *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research* (3):99-133. <http://egdr.journals.pnu.ac.ir>. Accessed 7 Jul 2017 (in Persian)
- Bakhshi M, Mallaei Z, Bakhtiary A (2011) Raveshha-ye hemayat az jame'eh-e rustayi be vasileh-ye movafeqat-nameha-ye keshavarzi dar sazman-e tejarat-e jahani va eraeh-ye rahnemudha-yi baraye Iran (Methods of support for rural communities via agricultural agreements in WTO and guidelines for Iran). [University of Tehran] *Journal of Rural Research* (3):1-24. [https://jrur.ut.ac.ir/article\\_22178.html](https://jrur.ut.ac.ir/article_22178.html). Accessed 7 Jul 2017 (in Persian)
- Bhagwati JN (2005) Reshaping the WTO. *Far Eastern Economic Review* 168(2):25-30. doi:10.7916/D8XK8N79
- Bhattacharya A, Laker Apecu J (2015) Intellectual property rights protection: the plus/minus debate from a least-developed country perspective—Sense and Non-sense. In: Dadush U, Osakwe C (eds) *WTO accession and trade multilateralism: case studies and lessons from the WTO at twenty*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 795-817
- Bienen D, Mihretu ME (2010) The principle of fairness and WTO accession—an appraisal and assessment of consequences. *Society of International Economic Law (SIEL), Second Biennial Global Conference, University of Barcelona, July 8-10, 2010*. doi:10.2139/ssrn.1633043
- Bigdeli S (2017) *Tarh-e sanad-e siyasat-e tejari (A research project on Iranian trade policy document)*. Institute for Trade Studies and Research. Ministry of Industry, Mine and Trade (in Persian)
- Bown CP (2009) *Self-enforcing trade: developing countries and WTO settlement*. Brookings Institution, Washington, DC
- Butkeviciene J, Hayashi M, Ognitvsev V, Yamaoka T (2001) Terms of WTO accession. In: UNCTAD (ed) *WTO accession and development policies*. United Nations, New York and Geneva, pp 155-179
- Carzaniga A, Lim AH, Lee J (2015) Services market opening: salience, results, and meaning. In: Dadush U, Osakwe C (eds) *WTO accession and trade multilateralism: case studies and lessons from the WTO at twenty*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 641-663
- Cattaneo O, Primo Braga CA (2009) Everything you always wanted to know about WTO accession (but were afraid to ask). *World Bank Policy Research Working Paper* 5116. doi:10.1596/1813-9450-5116
- Cottier T (2006) From progressive liberalization to progressive regulation in WTO law. *Journal of International Economic Law* 9(4):779-821. doi:10.1093/jiel/jgl029
- Davis C, Wilf M (2011) *Joining the club: accession to the WTO/GATT*. Paper presented at American Political Science Association (APSA) Annual Meeting, Seattle.

- Drabek Z, Woo W (2010) Who should join the WTO and why?: a cost-benefit analysis of WTO membership. In: Drabek Z (ed) *Is the world trade organization attractive enough for emerging economies*. New York, Palgrave Macmillan
- Dunoff J (2007) What is wrong with inactivity?: comment on Nordstrom's developing countries in the WTO. In: Bermann GA, Mavroidis PC (eds) *WTO law and developing countries*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 186-194
- Ebrill L, Stotsky J, Gropp R (1999) Revenue implications of trade liberalization. IMF Occasional Paper 180. International Monetary Fund.
- Economist (2011, Dec 10) China's economy and the WTO—all change. <http://www.economist.com/node/21541448>. Accessed 7 Jul 2017
- Evans P (1995) *Embedded autonomy: states and industrial transformation*. Princeton University Press, Princeton
- Evenett S, Primo Braga CA (2006) WTO accession: moving the goalposts?. In: Newfarmer R (ed) *Trade, Doha, and development: a window into the issues*. World Bank, Washington, DC, pp 227-242
- Farajzadeh Z, Zhu X, Bakhshoodeh M (2017) Trade reform in Iran for accession to the World Trade Organization: analysis of welfare and environmental impacts. *Journal of Economic Modeling* (63):75-85. doi:10.1016/j.econmod.2017.02.006
- Finger JM (2002) *The Doha agenda and development: a view from the Uruguay Round*. Asian Development Bank, Manila
- Haddad M, Hollweg C, Portugal-Perze A (2015) The Structural reform implications of WTO accession. In: Dadush U, Osakwe C (eds) *WTO accession and trade multilateralism: case studies and lessons from the WTO at twenty*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 81-121
- Heritage Foundation (2017) Index of freedom. <http://www.heritage.org/index/visualize>. Accessed 14 Oct 2017
- Hiro D (1989) *The longest war: the Iran-Iraq military conflict*. Routledge, New York
- Hoekman B (2002) Strengthening the global trade architecture for development: the post-Doha agenda. *World Trade Review* 1(1):23-45. doi:10.1017/S1474745601001008
- Hoekman B (2005) Operationalizing the concept of policy space in the WTO: beyond special and differential treatment. *Journal of International Economic Law* 8(2):405-424. doi:10.1093/jielaw/jgi027
- Hudec R (1987) *Developing countries in the GATT legal system*. Trade Policy Research Center, London. Re-issued in 2010 by Cambridge University Press
- Irwin D, Mavroidis P, Sykes A (2008) *The genesis of the GATT*. Cambridge University Press, New York
- Kavass II (2007) WTO accession: procedure, requirements, and costs. *Journal of World Trade* 41(3):453-474.
- Kessie E, Apea Y (2006) The participation of African countries in the multilateral trading system. *African Yearbook of International Law* 12(1):9-66. doi:10.1163/221161704X00024
- Khor M (2008) The world trading system and development concerns. In: Serra N, Stiglitz JE (eds) *The Washington consensus re-considered: towards a new global governance*. Oxford University Press, New York, pp 215-259. doi:10.1093/acprof:oso/9780199534081.003.0011

- Kireyev (2015) The macroeconomic implications of WTO accession. In: Dadush U, Osakwe C (eds) *WTO accession and trade multilateralism: case studies and lessons from the WTO at twenty*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 122-160
- Lacey S (2007) The view from the other side of the table: WTO Accession from the perspective of WTO members. In: Streatfield J, Lacey S (eds) *New reflections on international trade: essays on agriculture, WTO accession, and systemic issues*. Cameron May, London, pp 75-98
- Laird S (2009) Cost of implementation of WTO agreements. In: Drabek Z (ed) *Is the World Trade Organization attractive enough for emerging economies?: critical essays on the multilateral trading system*. Palgrave Macmillan, New York, pp 333-347
- Lotfalipour M, Zeynaliyan A, Ashrafi Bejestan N (2013) Baresi-ye ta'sir-e kahesh-e mavane'-e ta'refei bar varedat-e koll-e kala dar Iran ba estefadeh az model-e ARDL-e bound (The effect of tariff barriers reduction on aggregate imports of goods in Iran: using ARDL bounded test). *Economic Strategy* (3):119-147.  
<http://econrahbord.csr.ir/WebUsers/econrahbord/UploadFiles/OK/139409101153435000321-F.pdf>. Accessed 7 Jul 2017 (in Persian)
- Low P (2007) Is the WTO doing enough for developing countries?. In: Bermann GA, Mavroidis PC (eds) *WTO law and developing countries*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 324-357
- Maggi G, Rodriguez-Clare A (1998) The value of trade agreements in the presence of political pressures. *Journal of Political Economy* 106(3):574-601. doi:10.1086/250022
- Majles [Islamic Consultative Assembly] (2017) Qanun-e ahkam-e daemi-ye barnameha-ye towse'eh-ye keshvar (Law on permanent rules governing the country's development plans). <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014070>. Accessed 8 Dec 2017 (in Persian)
- Mavroidis PC (2015) Taking care of business: the legal affairs division from the GATT to the WTO. In: Marceau (ed) *A history of law and lawyers in the GATT/WTO: the development of the rule of law in the multilateral trading system*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 236-243
- McKinsey Global Institute (2016) *Iran: the one trillion dollar growth opportunity?*. McKinsey & Company
- Neumayer E (2013) Strategic delaying and concessions extraction in accession negotiations to the World Trade Organization: an analysis of Working Party membership. *World Trade Review* 12(4):669-692. doi:10.1017/S147474561300013X
- Osakwe C (2011) Developing countries and the GATT/WTO rules: dynamic transformations in trade policy behavior and performance. *Minnesota Journal of International Law* 20(2):639-672. <http://minnjil.org/wp-content/uploads/2015/07/Osakwe-Final-Version.pdf>. Accessed 7 Jul 2017
- Osakwe C (2015) Contributions and lessons from WTO accessions: the present and future of the rules-based multilateral trading system. In: Dadush U, Osakwe C (eds) *WTO accession and trade multilateralism: case studies and lessons from the WTO at twenty*. Cambridge University Press, Cambridge, pp 119-148.
- Rodrik D (2007) *One economics, many recipes: globalization, institutions, and economic Growth*. Princeton University Press, Princeton
- Santos A (2012) Carving out policy autonomy for developing countries in the World Trade Organization: the experience of Brazil and Mexico. *Virginia Journal of International Law Association* 52(3):551-632.

- Serra N and Stiglitz JE (eds) (2008) *The Washington consensus re-considered: towards a new global governance*. Oxford University Press, New York
- Shiravi A, Nazarnejad M (2012) *Elhaq-e Iran be sazman-e tejarat-e jahani va ta'sir-e an bar moqarrarat-e nazer beh yaranehha-ye dakheli* (Accession to World Trade Organization and its impact on internal laws and regulations regarding export subsidies). [University of Tehran] *Law Quarterly* 41(2):95-114.  
[https://jllq.ut.ac.ir/article\\_29651\\_2a1f73c54284e4405208faf9407cb673.pdf](https://jllq.ut.ac.ir/article_29651_2a1f73c54284e4405208faf9407cb673.pdf). Accessed 7 Jul 2017 (in Persian)
- Shiravi A, Pouresmaeili A (2011) *Motale'h-ye tatbiqi-ye elzam-e sahm-e dakhel dar qavanin va moqarrarat-e Iran va moqarrarat-e sazman-e tejarat-e jahani* (A comparative study of local content requirements in Iranian regulations and World Trade Organization agreements). *The Judicatory Law Journal* (74):41-68. doi:10.22106/jlj.2011.11083
- Stiglitz JE (2008) *The future of global governance*. In: Serra N and Stiglitz JE (eds) *The Washington consensus re-considered: towards a new global governance*. Oxford University Press, New York, pp 309-323
- Subramanian A, Wei SJ (2007) *The WTO promotes trade, strongly but unevenly*. *Journal of International Economics* 72(1):151-175. doi:10.1016/j.jinteco.2006.07.007
- Tang MK, Wei SJ (2009) *The value of making commitments externally: evidence from WTO accessions*. *Journal of International Economics* 78(2):216-229.  
doi:10.1016/j.jinteco.2009.01.008
- Trachtman J (2009) *Developing countries, the Doha Round, preferences and the right to regulate*. In: Thomas C, Trachtman J (eds) *Developing countries in the WTO legal system*. Oxford University Press, New York, pp 11-128
- Trebilcock MJ (2011) *Understanding trade law*. Edward Elgar, Cheltenham
- UNCTAD [United Nations Conference on Trade and Development] (2016) *Key statistics and trends in trade policy 2016: G20 policies and least developed countries' export performance* (UNCTAD/DITC/TAB/2016/2).  
[http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/ditctab2016d2\\_en.pdf](http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/ditctab2016d2_en.pdf). Accessed 14 Oct 2017
- World Bank (2017) *Doing business—Iran*.  
<http://www.doingbusiness.org/data/exploreeconomies/iran>. Accessed 14 Oct 2017
- WEF [World Economic Forum] (2016) *Global competitiveness index—Iran*  
<http://reports.weforum.org/global-competitiveness-report-2015-2016/economies/#economy=IRN>. Accessed 25 Dec 2016
- WTO [World Trade Organization] (1995) *Accession to the World Trade Organization procedures for negotiations under Article XII—note by the secretariat, WT/ACC/1*
- WTO [World Trade Organization] (2001) *WTO document—Protocol of accession (Working Party Report), China, WT/ACC/CHN/49*
- WTO [World Trade Organization] (2005) *WTO document—Protocol of accession (Working Party Report), Saudi Arabia, WT/L/627*
- WTO [World Trade Organization] (2011) *WTO document—Protocol of Accession (Working Party Report), Russian Federation, WT/MIN(11)/24, WT/L/839*
- WTO [World Trade Organization] (2014) *World tariff profiles*.  
[https://www.wto.org/english/res\\_e/booksp\\_e/tariff\\_profiles14\\_e.pdf](https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/tariff_profiles14_e.pdf). Accessed 5 Aug 2015
- WTO [World Trade Organization] (2016) *WTO accessions: 2016 annual report by the director general, WT/ACC/28*. [https://www.wto.org/english/thewto\\_e/acc\\_e/dg\\_anrep\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/dg_anrep_e.htm). Accessed 14 Oct 2017



WTO [World Trade Organization] (2017) Accessions—Lebanese Republic.  
[https://www.wto.org/english/thewto\\_e/acc\\_e/a1\\_liban\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/a1_liban_e.htm). Accessed 9 Oct 2017